

بولتن اخبار داخلی سازمان دانش جویان ایرانی در امریکا  
شماره دهم (۵ / ۲۴ / ۸۸)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

## قابل توجه اعضا:

---

جهت انتقال هر چه وسیعتر اخبار مبارزاتی از مسئولین تشکلهای درخواست میگردد مطالب زیر را برای انتشار در بولتن اخبار داخلی ارسال دارند:

۱- گزارش کوتاهی از فعالیتهای بیرونی و اخبار مبارزاتی تشکل خود

۲- اخبار و اطلاعیه های سازمانهای سیاسی موجود در محل فعالیت خود

مسئول بولتن اخبار داخلی

بمنظور کاهش مخارج در انتقال خبره از این پس اخبار دریافتی بصورت کتبی همانگونه که در این شماره بولتن اخبار داخلی درج گردیده، انتشار می یابد.

اخبار دریافتی

\* بر طبق اخبار واصله، هرچند صدر که فردا سازم آزار که فردا می باشد،  
افرا بدینترک شرکت و قدرت و اکثریت (جنبش ششم) منتشر نموده است.

\* "فوب و کوات کورستان ایران - رحمه الله" که افرا از جنبش قاسمیون است  
نموده، جهت فردا از سازم بانه من قدر الله است.

\* سعید (اعتدال) [چشم توکل] نشریه <sup>ظرفی</sup> بنام جهان کورستان که  
نشریه ایگان کتبی فایز از کورستان است، منتشر نموده است.

\* قضا در ارتقا لقل و ص در شهر عوشرال و اسد، با حقیقت بر گزار  
شده، در این قضا در ارتقا، الکلاس شرکت بنیست لقل و ص " بطور

همزمان در اسد توسط فذلسی لسته لقلیت از نور و در عوشرال  
توسط ابنین دانشمندان ایران مرتب است در عوشرال - کمان را، کنس

گزارش

تظلمات بر علیه جنب ایران و عراق

در روز شنبه ۲۳ آذر ۱۹۸۷ تظلمات بر علیه جنب ایران و عراق که توسط کتبه وقت ضد جنب ایران و عراق "فراخوانده شده بود، در شهر نیویورک برگزار گردید. در این تظلمات که پیش از یکصد شرکت کننده داشتند، شرکت کنندگان به شعارهای جنبی به قصدی خود شتر آمده و در آنجا ایران و عراق، سرگمخ و در ترمینال ایران و عراق، اسیر و اسیران از طریق خدمت بردن ابو... از جانب فرودگاه از جنب ارتجاعی آمدن داشتند. تظلمات از محفل کلمه نوشتن شهر نیویورک آغاز و در یکی از محفلها بر رفت و آمده شهر خانه رفت. حدود ۳۰۰ شرکت کنندگان در تظلمات شرکت کردند که در آنجا شرکت کنندگان در تظلمات شرکت کردند. محفل نیمه هوا در آنجا شرکت کنندگان در تظلمات به رهبری رادیکالی مسافت به لندن طردنش را پیگیری و به مسکن شرکت تظلمات در آنجا فرودگاه بر علیه جنب ایران و عراق بین داشتند.

جانبی توهین شده است از نام دانشجوهایم ایران در آمریکا - نیویورک یکی از بانیان و شرکت کنندگان حقوق در حق است. کتبه ادعت ضد جنب ایران و عراق در نیویورک

چالش challenge  
از همان ذب ترقی کار و دیگر هفته به معنی چارچون است. کتبه  
از همان ذب ترقی کار و دیگر هفته به معنی چارچون است. کتبه  
از همان ذب ترقی کار و دیگر هفته به معنی چارچون است. کتبه

# اعلامیه مشترک بمناسبت اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

سازمانهای مترقی و انقلابی !  
هم میهنان مبارز!

بیش از صد سال از مبارزهء شکوهمند کارگران شیکاگو، جهت تحقق خواست ۸ ساعت کار روزانه میگذرد. طی اینمدت، جنبش جهانی طبقهء کارگر پیروزیهای بسیاری داشته است؛ انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه بارزترین نمونه چنین پیروزی است. اگرچه بهنگام مبارزهء کارگران شیکاگو، جهت تحقق خواست ۸ ساعت کار روزانه، طبقهء کارگر ایران دوران پیدایش خود را از سر میگذراند؛ اما، کارگران ایران از همان دوران تا به امروز تجربیات درخشانی را از مبارزات خود بر جای گذارده اند. تجربهء امتصابات عمومی و بریایی شوراها در طی سالهای ۵۶ و ۵۷، بعنوان یکی از ویژگیهای مبارزات دهسال اخیر طبقهء کارگر ایران، نشانگر ژرفا یافتن مبارزات این طبقه در عرصهء مبارزهء طبقاتی از دوران انقلاب مشروطیت تا کنون میباشد. علی رغم اینکه کارگران ایران در زیر یکی از وحشیانه ترین اشکال سلطهء سرمایه بسر میبرند، مبارزانشان در طی سال گذشته ژرفای بیشتری یافت. مبارزه بر علیه بیکاری و تعطیل کارخانجات و مبارزه بر علیه اعزام اجباری به جبهه ها از ویژگی خاصی طی يك سال گذشته برخوردار بوده است. و این در حالیست که مبارزه بر سر افزایش دستمزدها، پرداخت بوقع حقوق، بهبود شرایط کار و... همچنان ادامه داشت؛ نمونه های گروه صنعتی ملی، بنز خاور، نیشکر هفت تپه و کوره پزخانه ها از این جمله اند. و این در شرایطی است که بر متن بحران نظام سرمایه داری، مبارزات کارگری بسیاری در عرصهء جهانی صورت گرفته است؛ مبارزات کارگران معدن در آفریقای جنوبی، مبارزات کارگران صنایع و معادن در کرهء جنوبی، مبارزات کارگری در ترکیه و مبارزات کارگری در فرانسه، آلمان و انگلستان تنها نمونه های از این مبارزات می باشند.

هم میهنان مبارز!

سازمانهای مترقی و انقلابی!

تداوم جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق بر وخامت اوضاع زندگی کارگران و زحمتکشان ایران افزوده است. "حملات موشکی" به شهرها علاوه بر کشته و مجروح شدن هزاران نفر از مردم بیگناه ایران و عراق، منجر به ویرانی هر چه بیشتری از امکانات مادی و معنوی جامعه گشته است. در چنین شرایطی از وخامت اوضاع اقتصادی-سیاسی

و اجتماعی که بار فشار آن بر کارگران و زحمتکشان است؛ بایستی که با تمام توان بر علیه "چنین شرایطی" پیا خاسته بایستی پرده از چهره منادیان دروغین "صلح خواهی" برداشته از دولتهای "صلحدوست" تانیروهای بورژوازی مانند سلطنت طلبان ومجاهدین وضد انقلابیونی نظیرحزب توده و اکثریت (هر دو جناح) همگی خواهان صلحی هستند که در خدمت حفظ نظم ارتجاعی موجود باشد. دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سرنگونی نظام سرمایه داری را میبایستی بیش از پیش بمیان افکار عمومی جهانیان - بویژه طبقه کارگر کشورهای مختلف - برده میبایستی با تأکید بر استقلال طبقاتی کارگران، فعالیتهای خود را بر علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق بیش از هر زمانی تشدید کرد.

زنده باد همبستگی کارگران سراسر جهان!  
زنده باد سوسیالیسم!

۱ مه ۱۹۸۸

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷

فعالین "هسته اقلیت" در آلمان فدرال و برلن غربی  
سازمان دانش جویان ایرانی در آمریکا  
انجمن سوسیالیستی در انگلستان  
فعالین "هسته اقلیت" در سوئد  
انجمن دانشجویان ایرانی سوسیالیست در مونترآل - کانادا  
فعالین "هسته اقلیت" در نروژ  
گرایش مستقل در هلند

## به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

### رفقای کارگر!

اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران فرا می رسد. اول ماه مه روز تجلی اراده استوار طبقه کارگر جهانی در نبرد با اردوی سرمایه، روز تجلی هدف مشترک کارگران سراسر جهان در برقراری سوسیالیسم و کمونیسم است. در این روز گریانه‌های ارتش جهانی کار به تحلیل کفایت کارخانه ها، برگزاری تظاهرات و برپایی جشن همبستگی طبقاتی خود را به نمایش می گذارند. هدف تمامی کارگران جهان مبارزه با استثمار و برانداختن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است. اما برای نبل به این هدف، هر گریان از ارتش عظیم جهانی کار با موانع و سد های ویژه ای روبروست که عمارت ها، سلالهات و اعدا کمال مبارزاتی ویژه ای را می طلبد.

امسال نیز همچون سالهای قبل، کارگران ایران در غرابلی به استقبال روز جهانی کارگر می شناهند که از هر سو با تعرض و حمله سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی مواجه اند. اختناق، جنگ، بیکاری و فقر کارگران را در بندیده اند. با اخراج عده ها، تعدیل های مستقل کارگری نابود گشته اند و ابتدائی ترین حقوق کار با همسال گفته است. جمهوری اسلامی با اخراجهای گروهی بر ارتش بیکاران و بر ارتش نهمه کار افزوده و سیاست بیکار سازی را بعنوان ابزاری برای تعدید استثمار و ستم و ظلم بر کارگران و ایجاد تفرقه در بین صفوف آنها بکار می برد. جمهوری اسلامی با سیاست اعزام اجباری کارگران به جبهه های جنگ با اخراج از کارخانه، جنگ آذکار و بی رحمانه ای را علیه طبقه کارگر به پیش می برد. تمامی این عوامل و اگر مقابله ای جدی با آن بعمل نیاید، سبب تضعیف طبقه کارگر خواهد شد.

کارگران در مقابل این تهاجمات ویرانگر سرمایه مقاومت نموده اند. کارگران بصیغه نشان داده اند که با وجود سرکوب و خفقان همچنان به نیاز مبارزات انقلابی هستند. طبقه کارگر طی ۹ سال گذشته مهر خود را بر تمامی تحولات جامعه کوبیده است. ۹ سال است که حکومت اسلامی تلاش می کند جنبش کارگری را از پای بماندازد. امسال کارگران تسلیم نشده اند.

با وجود این مقاومت به تنهایی نمی تواند بر تعرضات سرمایه علیه کار فائق بوده جمهوری اسلامی را سرنگون سازد. جنگ را متوقف کند و بر فلاکت و بیکاری طبقه نماید و حکومتی انقلابی و دمکراتیک را بر پا نارد. باید مقاومت را به تعرض علیه سرمایه تبدیل کرد. طبقه اصلی در این تبدیل چیست؟ طبقه برپراکنده و بی سازمانی. تمامی سیاستهای حکومت سرمایه داران بر این اساس استوار است که از وحدت و تفکک طبقه کارگر جلوگیری نماید. سرمایه داران متحد عمل میکنند. ارگانهای گوناگون سرمایه داران در مقابل کارگران یکپور عمل می کنند. اگر چه سرمایه داران در رقابت با یکدیگر کرده اند اما جنگی در تقابل با کارگران از طریق دستگاه دولت و دستگاههای قضایی پلیس و وزارت کار مجلس و ... متحد اند. کارگران منفرد و پراکنده های جدا از هم کارگران چگونه می توانند با صف بیکارچه سرمایه داران بجنگند و پیروز شوند؟

اگر مبارزات کارگران علیه جنگ و اختناق و جور سرمایه داران نتوانسته است پیروز بوده بدین سبب است که این مبارزات پراکنده و بی سازمان بوده است. تکه تکه و بی حزب و تفکلات بوده است. بدون طبقه بر این ضعف هیچ تضمین و تحول اساسی در وضعیت کارگران ایجاد نخواهد شد. کارگران باید از تفکک حزبی و از تفکلهای توده ای بر خوردار بافتند. این امر مدنی است.

اگر نتوانیم بر تفکک و پراکندهی در جنبش کمونیستی و کارگری فائق شویم، تاخت و تاز سرمایه داران بر ما ادامه خواهد یافت. باید گامهای سنجیده و استواری را برای تشکیل حزب کمونیست یعنی برای تفکک واحد همسران کمونیست طبقه کارگر به پیش بر داریم. باید فعالیت مستمر و بی گهر بمنظور همگرایی نیروها و جنبش کمونیستی هنگام با هویت یافتن هر يك از این نیروها بعنوان نیروی واحد سرمایه داران به پیش طبقه کارگر صورت پذیرد. تنها چنین حرکت هدفمندی است که وحدت اصولی در جنبش کمونیستی را تضمین می کند و ستاد رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا را بنیاد می آورد. این کار مدنی است.

وحدت در صفوف کارگران و بسیج همه جانبه کارگران به مبارزه ای سازمان یافته به تفکلهای توده ای نیازمند است. باید از هر نوع تفکلی که بتواند مبارزات کارگران را سازمان دهد و وحدت نیروی صفوف طبقه کارگر را تأمین نماید پشیمانی خود را به هیچ فرصتی را در استفاده از اعدا کمال قانونی و غیر قانونی و علنی و مخفی تفکک باسی کارگران و حتی اگر که بکقدم بر این مسیر کمک کننده از دست نداد.



در همین حال، با توجه به شرایط جامعه ما، جایی که هر تفکلی مستقل کارگری نابود گردیده و قانونی حاکم قانون اختیاری رسمیت ندارد، جایی که سرکوب و سلب ابتدائی ترین آزادی ها - بزور سر نهاده - سیاست رسمی حکومت است، جایی که رژیم خود روزه های قانونی را سفود نموده است، تأکید بر تفکلی با بی کارگران بسموه قانونی لفظ می تواند توهم پراکنی باشد. بنابراین در شرایطی که بحران انقلابی بر جامعه حاکم است، در شرایطی که تسلسل برای تفکلی سازمانهای توده ای کارگری، نه امری منفی، که امری اساسی است، در شرایطی که هر تجمع و تفکلی کارگری به معنای علمک گلوله ای بر حکومت است، سازمانهای کارگران نمی تواند مبتنی بر این شرایط و پاسخگوی این شرایط نباشد. از همین رو کمیته های کارخانه مناسب ترین تفکلی توده ای کارگری در شرایط موجود جامعه ما می باشد. کمیته کارخانه یک تفکلی انتقالی است که بازتاب این دوره از مبارزات کارگران، در شرایط جنگ و اختیاری و بیکاری و بحران انقلابی است. کمیته کارخانه سازمان عمل مستقیم کارگری است. تفکلی انعطاف پذیر است که ظرفیت پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و سیاسی را دارا است، تفکلی که مناسب با عموم انقلابی مبارزات کارگران است.

کمیته های کارخانه جز در مواقع مبارزات مداوم کارگران نمی تواند به یکباره تفکلی شود. پس ساله این است که چه گونه کمیته کارخانه بنیادیه یک تفکلی توده ای شکل می گیرد؟ اهمیت اساسی تفکلی کارگران به معنی در تفکلی با بی کارگران اینجا خود را نمایان می سازد. کارگران به معنی که از ضرورت وحدت و تفکلیات (خدا از اینک هم اکنون مبارزه ای بالفعل باشد یا نباشد) مطلع اند، با تفکلی کمیته های معنی کارخانه امر استمرار در سازماندهی مبارزات کارگران را بر عهده دارند. در هر عمل مستقیم کارگری، شرایط برای سازماندهی های موقتی فراهم می شود. تحت این شرایط، کمیته های معنی کارخانه با تفکلی کمیته های توده ای کارگری که منطبق بر همان عمل مستقیم کارگری است، گامی را در جهت سازماندهی کارگران بر می دارند. اگر اعتقاد بر حال وقوع است، به تفکلی کمیته های اعتقاد مبارزتی می ورزند و ...

در شرایط کنونی، کمیته های معنی کارخانه آن عامل و هسته اصلی است که از یک مبارزه به مبارزه دیگر سازماندهی مبارزه کارگران را استمرار می بخشد. به این بودن این سازماندهی های توده ای حول مطالبات عمومی و عمل مستقیم معین کارگری به پروری روحیه کارگران در امر مبارزه سازماندهی کمک می رساند و ضرورت وحدت و تفکلیات کارگری را هر چه بیشتر در نهضت توده ای وسیعتری از کارگران بارور می سازد. کمیته ها و کارخانه اساساً از دل همین سازماندهی های می در این مبارزات کارگری شکل می گیرد.

" " "

اکنون جنگ، بیکاری و اختیاری طبقه کارگر را ضعیف و پراکنده و فرسوده کرده است. باید برای مقابله با این پلما سرمایه داری و جمهوری اسلامی متحد و متفکلی عمل کرده. احراجها و بیکاری معلومها کارگر طبقه کارگر را در مقابل سرمایه داران تضعیف نموده است. کافی نیست که در مقابل احراجهای گروهی مقاومت نمود. این ضروری است اما کافی نیست. باید شرایط را ایجاد نمود که تفرقه مابین کارگران عامل و بیکار سو گردد. در این رابطه علاوه بر بیکار متحد کارگران طبقه بیکاری، با فعالیت هر عمار " ۱۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته " به علاوه لغو اضافه کاری از سوی کارگران بویژه کارگران عامل، نه فقط در جهت تحقق یکی از مطالبات اصلی طبقه کارگر است بلکه این خود حاجتی است از سوی کارگران عامل در مقابله با سیاست بیکار سازی حکومت.

جمهوری اسلامی اختیاری طاقت فرسا را بر جامعه حاکم کرده است. در کارخانه ها انجمن های اسلامی و عوراهای اسلامی و دانه حراست ابزار به معنی سیاست سرکوب رژیم اند. مبارزه در راه انزال این ابزار سرکوبگر رژیم سیاسی از مبارزه کارگران طبقه رژیم جمهوری اسلامی است. رژیم کارگران بسیاری را به بند کشیده است، خواست آزادی رفتاری در بند و ارتقا. این خواست تا آزادی زندانیان سیاسی در مقابله با اختیاری جمهوری اسلامی از اهمیت بیزارتسی برخوردار است.

جنگ جامعه را فلج کرده است. بیعتن بار مناسب جنگ بر دوش کارگران است. بیعتن بیزارانها بر مراکز کار و زیست کارگران بوده است. کارگران در جبهه و بیعتنجه قربانی سیاستهای ارتجاعی رژیم اند. بحران اقتصادی ناشی از جنگ بهمی از همه گریبان کارگران را گرفته است. احرام اجباری کارگران به جبهه های جنگ خود سیاستی است که برای تضعیف طبقه کارگر از سوی رژیم به اجرا در می آید.

رفتای کارگر

روز اول ماه مه را به روز اعتراض علیه جنگ، بیکاری و اختیاری تبدیل کنیم. برای دستهای به صلح و کاره آزادی و جمهوری عورائی متحد عومم متفکلی عومم. مبارزه علیه سرمایه داری را سازمان عومم. مبارزه برای مطالبات آوری را تا نمل به عوممالم از هم اکنون سازمان عومم. بهروزی از آن کارگران متحد و متفکلی است.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

زنده باد عوممالم

هسته اقلیت ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷

**New York - U.S. Out of Persian Gulf**

# Marchers Condemn Iran-Iraq War

NEW YORK CITY, April 23 - "Condemn the Iran-Iraq War," "U.S. Out of the Persian Gulf," "Down with the Iranian and Iraqi Regimes," chanted over 100 marchers. The demonstration, called by the Ad-Hoc Committee Against the Iran-Iraq War, started in front of the Harlem State Office Building and went down the West Side to 59th St. and Central Park. The steady rain did not damp the militant spirits of the demonstrators.

**MEMBERS OF PLP PARTICIPATED** with a leaflet titled "From the Persian Gulf to All Corners of the World, Imperialists Talk 'Peace' But Make War," stating that while Reagan and Gorbachev talk "peace," war is raging all over the planet. Our leaflet ended with a call to march in Washington on May Day.

The Ad-Hoc Committee which organized the march gave out a leaflet titled "Condemn the War between Iran and Iraq." The following are excerpts from that leaflet:

The Iran-Iraq War has also resulted in unprecedented human casualties in the past eight years. Close to one million people have been killed and hundreds of thousands have been injured on both sides. The Iranian Government has repeatedly used children to clear mine fields and prepare the ground for the advancement of its regular armed forces. The bombardments and the missile attacks on heavily populated cities, hospitals, and schools has resulted in the deaths of thousands of innocent people in both countries. Many cities and villages have been completely destroyed and millions of people have lost their homes and belongings.

Internationally, the Iran-Iraq war has been a source of profit for many countries who have been supplying arms to both sides. The United States, the Soviet Union, France, China, North Korea, and many other countries have contributed to the continuation of this bloody war by heavily arming Iran and Iraq. While launching a propaganda attack on Iran, the U.S. has been making deals with the Iranian Government behind closed doors and supplying Iran with arms. At the same time, the U.S. has been providing Iraq with intelligence information about the Iranian armed forces

tional waterways" open to free navigation. The U.S. is well aware of the heavy dependence of the Iranian economy on oil exports and the unwillingness of Iran to halt the free flow of oil in the Gulf. But, the increasing militarization of the Persian Gulf has turned the region into one of the most explosive parts of the world. The United States 'Kamab' policy has severely intensified the existing crisis in the Persian Gulf and has added to the possibility of more serious military confrontations in the region. The most recent U.S. attack on Iranian oil platforms and the consequent confrontation between the naval forces of the two countries is an example of the explosive situation created by the U.S.

To prepare the American people for its involvement in the region, the U.S. Government has become engaged in a propaganda campaign against Iran. As organizers of this protest, we call on all of you to oppose the U.S. militarization of the Persian Gulf and its campaign against Iran. Our opposition to the U.S. policy in the Gulf is not a call for support for either the Iranian or Iraqi governments. We must also condemn the Iran-Iraq War and demand an immediate end to international arms sales to both Iran and Iraq.



هم‌میهنان شرافتمند،

مردم مبارز کردستان،

اعضا، کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران،

احزاب و سازمانهای انقلابی ایران،

نه سال از مبارزه خونبار خلق ستم‌دیده کرد علیه رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. در این مدت دهها هزار نفر از مردم کردستان و بیش از چهار هزار نفر از پیشمرگان قهرمان حزب در راه دفاع از آزادی و دمکراسی جان باختند. در همین مدت دهها هزار نفر از رشیدترین فرزندان مبارز سایر خلقهای ایران نیز در پیکار عادلانه خود علیه ارتجاع حاکم به شهادت رسیده‌اند.

در سراسر این مدت، و به موازات مبارزه قهرمانانه خلق کرد، دکتر قاسملو بی‌اعتنا به آرمانهای والای حزب و بی‌توجه به مصالح جنبش ملی-دمکراتیک خلق ما، و نیز بغض تحت‌تأثیر القانات و رهنمودهای انحرافی و راستگرایانه آقای مادی شرف‌کنندی (سعید بدل)، به اعمال سیاستهایی در درون حزب و خارج از آن دست‌یازیده است که هدف غایی و نهایی آنها سازش با محافل امپریالیستی و گریز از جبهه انقلاب، چه در سطح ایران و کردستان و چه در سطح جهان، بوده است.

تعقیب و اعمال چنین سیاستهایی در درون حزب، از یک طرف با مخالفت و اعتراض روزافزون توده حزبی، کادرهای رده بالا و بخشی از رهبری مواجه گردیده، و از طرف دیگر شدت یابسی تمایلات دیکتاتورماپان و ضددمکراتیک از سوی نامبردگان را به دنبال داشته است.

بازتاب سیاست راستگرایانه فراکسیون شرف‌کنندی - قاسملو در سطح کردستان و ایران انزوای نسبی حزب در میان اپوزسیون انقلابی را فراهم ساخته و در خارج از ایران نیز مانع استقرار روابط اصولی با کشورهای سوسیالیستی شده است.

این فراکسیون برای خاموش کردن صدای هرگونه اعتراضی علیه چنین سیاستی، در هر مقطعی به بهانه‌ای، به تصفیه‌های بی‌رویه و غیرموجه در داخل حزب دست زده، تصفیه‌هایی که در نتیجه آن، هزار شمار قاسم، توحیی از افراد آگاه و مبارز از حزب اخراج گشته یا به انفسال کتانه شده‌اند. به‌گونه‌ای که مثلاً از تعداد بیش از یکصد نفر از کادرهای شرکت‌کننده در کنفرانس پیش از کنگره، شش حزب در کمیته شهرستان سردشت، اکنون جز عده‌ای انگشت‌شمار کسی باقی نمانده است. اغلب کمیته‌های شهرستان و ارگانهای حزبی نیز وضع مشابهی دارند.

یکی دیگر از مظاهر خط مشی انحرافی این فراکسیون در تمایلات سازشکارانه و مذاکره‌جویانه آن در برابر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی متجلی گشته است. وجود چنین تمایلاتی هرازگاهی باعث ایجاد نوسان در موضعگیری سیاسی حزب در برابر رژیم شده و در هر مقطعی توهماتی نسبت به ماهیت واپسگرایانه و اهداف شوم این رژیم دامن زده است.

با گذشت زمان و برملا شدن هرچه بیشتر اهداف واقعی فراکسیون، و اوجگیری و گسترش ابعاد مخالفت با خط مشی سیاسی آن از طرف بدنه حزب، توطئه‌گریها و زدوبندهای این فراکسیون نیز وسعت و حدت بیشتری پیدا می‌کرد تا جایی که کارگزاران آن بر خلاف نص صریح اساسنامه، در نحوه گزینش نمایندگان اعزامی به "کنگره هشتم" آشکارا به اعمال نفوذ در کنفرانسهای ارگانها و کمیته‌های شهرستان پرداختند.

سرانجام در "کنگره هشتم" گردانندگان فراکسیون کذابی با زیرپانهادن روشهای معمول و دمکراتیک در انتخابات حزبی، نمایندگان حاضر در "کنگره" را از حق آزادانه انتخاب کردن

و انتخابات شدن محروم کردند. آنها با توسل به انواع ترفندها، از فسیل تطمیع و وعده دادن مقام به این و آن، و تهدید برخی از نمایندگان، موفق شدند لیست "فیکس" از افراد مسرور توجه خود را بر سیمی از شرکت کنندگان در "کنگره" تحمیل نمایند و بیش از ۴۹ درصد دیگر را از این حق مشروع محروم سازند. عجب آنکه، این شیوه از به اصطلاح انتخاب رهبری، که خود دکتر قاسملو عنوان فتنه بر آن گذاشت، در حالی صورت گرفت که اکثریت کمیته مرکزی، هم در پلنوم پیش از "کنگره" هشتم و هم در جریان "کنگره"، با استناد به دلایل محکم و منطقی با آن مخالفت کردند و نسبت به عواقب وخامت بار چنین شیوه‌ای از "انتخابات" کرارا هشدار دادند.

پایان "کنگره" هشتم به هیچوجه به معنای خاتمه اعتراضات و ابراز ناراحتی‌ها نبود چرا که تقریباً بلافاصله بعد از اتمام "کنگره" اکثریت قابل توجهی از اعضاء، کادرها و پیشمرگان، به بطور نظامی و جد با ارسال قطبنامه‌هایی از طریق ارگانهای مربوطه خواستار تشکیل کنگره فوق‌العاده شدند، لیکن هرچند عده‌ی چنین افرادی به مراتب پیش از حد نصاب پیش‌بینی شده در اساسنامه برای تشکیل کنگره فوق‌العاده بود، فراکسیون مذکور کوچکترین اعتنایی به آن ننمود، و به این ترتیب، کاملاً معلوم گردید که اصول مندرج در اساسنامه در نظر این مدعیان دروغین دمکراسی پشیزی نمی‌آورد.

بطور خلاصه، فتنه‌ای که دکتر قاسملو در "کنگره" برانگیخت نه یک‌ساله، خلق‌الساعه بلکه نتیجه محتوم سیاستها و عملکردهای خود او و همدستان وی در طول سالهای گذشته بود. در این مدت آنها با ترویج آیین فردپرستی، باندبازی و دست‌بندی، ایجاد نوعی شبکه جاسوسی و خمرچینی، دامن زدن به شایعه پراکنی علیه مخالفان و ترور شخصیت، نقض مستمر اساسنامه و با بحال نمودن دمکراسی و استقرار دیکتاتوری درون حزبی، سرکوب عواطف انسانی در برخواستن با اعضاء، کادرها و پیشمرگان، تشویق گرایشات ارتجاعی و نفی اصول و ارزشهای ترقیخواهانه و... چنان وضعیتی بوجود آوردند که حزب ما را در خطر فروپاشی قرار دادند.

با درک این واقعات، و با احساس مسئولیت در برابر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد، و آرمانهای حزب (دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان). کد هزاران نرژند مذاکرات خلق ما در پی تحقق آن جان باختند، ما، اعضاء دفتر سیاسی، اعضاء اصلی، علی‌البتداً و مشاوران کمیته مرکزی، ضمن طرد فراکسیون شرفکندی - قاسملو، اصول زهرین را به عنوان خط مشی اساسی سیاستهای حزب اعلام می‌داریم، اصولی که بر اثر عملکرد نادرست فراکسیون مذکور در بسیاری از جهات و به گرایش مورد دستبرد قرار گرفته و خدشه دار شده است، پشتیبانسی بدریغ همه اعضاء کادرها و پیشمرگان قهرمان حزب، و نیز حمایت کلیه احزاب و سازمانهای انقلابی و همه کسانی که دل در گرو آزادی و دمکراسی دارند، پیروزی ما را در نیل به این اهداف و تحقق این اصول تشریح خواهد کرد:

۱- بازسازی مبانی خدامپریالیستی در حزب و طرد سیاستها و مانورهای سازشکارانه و راستگرایانه فراکسیون شرفکندی - قاسملو در معادلات با مخالفان امپریالیستی و اپوزسیون خدانقلابی وابسته به آن.

۲- کوشش در راه استقرار روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و متوقی، گسترش و تقویت روابط با احزاب و سازمانهای متوقی، و همبستگی با جنبش‌های رها بی‌بخش ملی.

۳- تاکید بر ادامه و گسترش مبارزه مسلحانه، و نفی سیاست سازشکارانه و مذاکره‌جویانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی، سیاستی که جز ایجاد توهم نسبت به ماهیت رژیم نتیجه‌ای در بر نداشته است.

- ۴- پشتیبانی از مساعی بین المللی در جهت خاتمه بخشیدن به جنگ ویرانگر ایران و عراق و استقرار صلح میان دو کشور بر اساس قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت .
- ۵- تلاش در جهت تشنج زدایی میان حزب و سازمانهای مبارز، دمکرات و انقلابی در سطح کردستان و ایران، گوشه در راه ایجاد روابط دوستانه و همکاری با اپوزسیون انقلابی بر اساس اصل احترام متقابل بمنظور تقویت هرچه بیشتر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد و تحکیم پیوند این جنبش با مبارزه سراسری در جهت سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی ، و استقرار یک رژیم دمکراتیک در ایران .
- ۶- حذف مطالب و موضوعات انحرافی و ارتجاعی که بر اثر اعتقادات و گرایشات غیردمکراتیک این فراقسیون در برنامه و اساسنامه وارد شده است .
- ۷- اعاده اصول و ارزشهای دمکراتیک در ارگانهای حزبی، رعایت حقوق و حفظ پرستیهای سیاسی و اجتماعی اعفاء و حراست از دمکراسی هم در داخل حزب و هم خارج از آن .
- ۸- طرد آیین شخصیت پرستی و مبارزه با تمرکز قدرت و تمایلات دیکتاتورما بانیه افراد .
- ۹- کوشش برای جذب مجدد کادرها ، اعفاء و پیشمرگانی که بر اثر سیاستهای نادرست این فراقسیون از حزب اخراج یا به انفعال کشانده شده اند . این اصل شامل کسانی نمی شود که به بندهای مرتکب جنایت یا خیانتی شده اند .
- ۱۰- حراست از ارزشهای پسر دوستانه و رعایت هرچه بیشتر مبانی اخلاقی و اجتماعی در جهت ایجاد حسن نیت و همبستگی رفیقانه در کلیه ارگانهای حزب .

#### حزب دمکرات کردستان ایران

#### رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۱

عضو کمیته مرکزی	۹- علی کاشف پور	عضو کمیته مرکزی	۱- جلیل کاداسی
علی البدل کمیته مرکزی	۱۰- سرهنگ ابرج قادری	دفتر سیاسی	۲- حسن رستگار
" " "	۱۱- کمال کریمی	کمیته مرکزی	۳- فتاح کاویان
" " "	۱۲- عصمت عبدی	" " "	۴- حسین مدنی
" " "	۱۳- شاپور فیروزی	" " "	۵- نبی قادری
" " مشاور	۱۴- رحیم محمدزاده	" " "	۶- مدیق بابایی
" " "	۱۵- شاپور نجافی فر	" " "	۷- ابوبکر راد
" " "		" " "	۸- عثمان رحیمی

# اطلاعیه حزب دمکرات کردستان ایران تشکیلات فرانسه

---

بدنبال اعلام مواضع رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران  
طی اعلامیه مورخ ۶۷،۱،۱ ما بعنوان "هیئت اجرائی و اکثریت  
اعضاء" تشکیلات فرانسه ج. د. ک. ا. "پشتیبانی خود را از رهبری  
انقلابی و مواضع آن در اعلامیه مذکور اعلام می کنیم.  
خاطر نشان می کنیم آنچه که تاکنون به عنوان تشکیلات اروپا  
در خارج کشور فعالیت می کرده از این پس سخنگوی تشکیلات فرانسه  
و تشکیلاتهای دیگر اروپا که از مواضع رهبری انقلابی پشتیبانی  
کرد هاند، نمی باشند.

حزب دمکرات کردستان ایران  
تشکیلات فرانسه

مورخ: ۶۷،۱،۵



## از ایجاد تشنج جلوگیری کنیم

اخیراً "حزب دموکراتیک مردم ایران" (بعضی بخشی از منضمین حزب توده که لایزال مواضع سیاسی این حزب خباثنگار را در سال جمهوری اسلامی ایران و ما به "ترسندگی خویش می‌دانستند) به ضد مخالفین جمهوری اسلامی پیوسته و در سینه باری اقدام به تسلیم و فروغی ضربات خود کرده است. از اینکه مزاح کنونی این "حزب ترقی اساسی" گذشته نگردد و نشانارنگ و نسای موسیال دموکراتیک و آروکمونستی گرفتار است، تردیدی نیست. اما این جریان از حیانت های گذشته حسی که در آن تریک بوده است "ترسند و برانگفته است و بهین جنت حاضر در حمل نام سنجی سابق خود نیست و با ذکر انشادانی، نام خود را نیز عوض کرده است.

اما حضور آنان در سینه باری با واکنش کور و جنجال آفرینی فنی ارنیروها مواجهتند. در اجر بیان نقش کویله بر حتمه بود! کویله ای که بهنگام مجادله بر سر حضور با عدم حضور سلطنت طنان در سینه باری، استخاره می‌کرد و با کوشش پزی مضایل به "جبهی اجتماعی گرفته بود، در این باره احتیاج به "استخاره" نداشت زیرا در خیانت توده ایها جای تردید نیست!

رفقای "وحدت کمونیستی" نیز که در آن هنگام موضعی "معتدل" اتخاذ کرده بودند و همعدلیا "جبهی اجتماعی" خواهان "دموکراسی" ناب شده بودند، در این جنجال، فعلا لانه مشارکت کردند و عطر قسم اعتقادات فوق دموکراتیک (البرالی) تان، "ملت" را علیه حضور آنان تحریک می‌نمودند!

ملت روشن است. "حزب دموکراتیک مردم ایران" هر چند در موسیال دموکراتیک توده ایات و سونی سهای آنی حزب کمونیست کویله و وحدت کمونیستی را در سیگانگی درجه بینش با تارکیزم ایزدگی منمک کن، با زهمندابلات و مسندای "روسولیل" دارد و این آن چیزی است که کعب صد نوری را به مخالفت وامی‌دارد.

اما اگر مخالفین بدون مشارکت جماعتاران "کمیته" خارج از کشور سابق "تکسیر نمیت و تاندر نبودن شرایط لازم برای شهیدوار عاب و درگیریهای نیریکی آنی فرا هم‌ازد؛ این گر شکل گرفت و من نظاماری، برای تشنج و درگیری هسته آنی خط روشن کنه! ما از حق حضور آنان دفاع کرده و می‌کنیم:

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بر اساس اعتقاد مولی اش به آزادی می‌تبد و شرط و به این دلیل که این گروه بندی به خباثنهای گذشته اش اعتراف کرده و بدان اعتقاد شعوره، از حق صور آنان در سینه دفاع می‌نماید. بدینی است که این دفاع، دفاع از نقطه نظرات آنان نیست دفاع از حق بیان و فعالیت آزادانه کلیه گروه بندیهای است که جمهوری اسلامی را ضد انقلابی می‌دانند و مدافع فدا انقلاب مدعون نیستند!

این دفاع نیز به معنی اعلام آتش بس یا تخفیف مبارزه ایدئولوژیک قلطمانه علیه نقطه نظرات انحرافی آنان نیست. همچنانکه حضور طرفداران بنی مدرو انواع گراپشات سیاسی و طبقاتی دیگر در سینه معنی انقلابی بودن آنان نیست و تردید نمی‌آورند. "حزب دموکراتیک مردم ایران" هم به

منا به یک گرایش اروتکونیستی (با هر چیز دیگری) می‌توانند در کنار سایرین علیه جمهوری اسلامی مطابق میل و گرایش تبلیغ کنند و نشریه بفروشد. در سینه پاریس مفاصل انقلاب و ضد انقلاب را نه می‌توان با رای گیری تعیین کرد و نه می‌توان با جنجال آفرینی و حذف این یا آن، انقلاب و ضد انقلاب را از هم تفکیک نمود!

انقلابیگری جنجالی و فحاشی علیه گرایشات و خطوط انحرافی، عملاً آگاهی عمومی را از مواضع انحرافی و نقطه نظرات اینان به سطح کلیشه‌هایی "سنتی" تقلیل می‌دهد و نمی‌گذارد ما هیت طبقاتی و رسته ایدئولوژیک و زمینه‌های تجدید تولید چنین خیانت‌هایی روشن شود. جنجالیون نقطه "خیانت" سده می‌کنند [بی آنکه بدانند مثلاً نقطه نظرات "حزب دموکراتیک مردم ایران" چیست و مبین چه گرایشی در جنبش ماست] تا از زحمت مبارزه ایدئولوژیک و نتایج آن - که همانا ورشکستگی بنحیفی نظری است - در امان باشند.

برقه‌های جنجال برانگیز از آنجا که قیم مردم اند و نمی‌فهمند که انقلاب پرولتاریائی بیش از هر چیز محصول آگاهی طبقاتی بوده‌هاست و بهمین خاطر "مبارزه ایدئولوژیک" یکی از جوهره‌ها گانده و ظایف اصلی کمونیست‌ها را تشکیل می‌دهد، به اصل "آزادی بی قید و شرط" که شرایط لازم را برای آگاهی توده‌ای فراهم می‌سازد، وقعی نمی‌گذارند. آنان ترجیح می‌دهند جنگ "حیدر-نعمتی" را با بگزین مبارزه اصولی (یعنی یکی از سه وجه وظایف اصلی کمونیست‌ها!) کنند تا از گزند نتایج "آزادی‌های بی قید و شرط" مصون باشند.

ما در این مورد قبلاً به تفصیل گفته و نوشته ایم اما در اینجا خطاب ما به آن دسته از رفقا و دوستان است که علاوه بر عدم احساس مسئولیت در قبال حفظ اندک امکانشی که برای تبلیغ سیاسی و اجتماع در دست داریم، با تحریکات ن روشهای قهرآمیزی و غیر اصولی مبارزه را پیش می‌کنند و عملاً موجب درگیری‌هایی خواهند شد که به هیچ وجه به نفع نیروهای سیاسی و انقلابی نیست و فقط مثنی ضد تشکیلاتی و دشمنان ما از آن خوشحال می‌شوند. علاوه بر این دسته، ما از رفقای منفرد و همه کسانی که مخالف درگیری و موافق اصل "آزادی بی قید و شرط" [برای کلیه گروه‌هایی که جمهوری اسلامی را صدا انقلابی می‌دانند و خواهان فدا انقلاب مدفون نیستند. همکاری با رژیم جمهوری اسلامی را به هر شکل و مقیاس، محکوم می‌کنند و آخرا خیانت بدان انقلاب می‌دانند] هستند، دعوت می‌کنیم از هر نوع درگیری و ایجاد تشنج در محیط سیاسی، جدا جلوگیری کنند و فعلاً نه علیه تحریکات و تشنج‌آفرینی‌ها مداخله نمایند. انقلابیون واقعی با تکیه بر اصولیت‌ها و مبارزه مستقیم و پیگیر علیه کلیه گرایشات و خطوط انحرافی، در قبال حفظ سلامت فضای سیاسی و اهمیت اتحاد میل اپوزیسیون انقلابی علیه جمهوری اسلامی، کاملاً مسئولند.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

واحد پاریس - ۱۰ آوریل ۱۹۸۸





هم‌پیمان مبارز ،  
مردم شرافتمند کردستان ،  
اعضاء ، کادرها و پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان  
ایران ،  
با هم در حد از کادرها و پیشمرگان آموزشگاه  
سیاسی - نظامی حزب ، ضمن پشتیبانی کامل از مواضع  
اصولی و مسئولانه رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان  
ایران ، فراکسیون شرفکندی - قاسملو را محکوم نموده ،  
آمادگی خود را برای هرگونه فداکاری در راه تحقق  
آرمانهای عادلانه خلق کرد در جهت دستیابی بسه آزادی  
و دمکراسی اعلام می‌داریم .

کادرها و پیشمرگان آموزشگاه  
سیاسی - نظامی

۱۳۶۷/۱/۱۱

رونوشت : رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

تکثیر از : بخش انتشارات  
حزب دمکرات کردستان ایران  
رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۱۲



هم‌میهنان عزیز،  
مردم ستمدیده، کردستان،  
اعضاء، کادرها و پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان  
ایران،  
ما، قریب ۹۰ درصد از کادرها و اکثریت پیشمرگان  
کمیسیون امور اجتماعی، ضمن اعلام پشتیبانی از مواضع  
اصولی رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران، که در  
اعلامیه مورخ ۱۳۶۷/۱/۱ انتشار یافته است، آمادگی  
خود را برای هرگونه فداکاری در راه تحقق آرمانهای  
مقدس حزب (دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای  
کردستان) اعلام میداریم.

کادر و پیشمرگان  
کمیسیون امور اجتماعی  
۱۳۶۷/۱/۱۱

رونوشت: رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

تکثیر از: بخش انتشارات  
حزب دمکرات کردستان ایران  
رهبری انقلابی  
۱۳۶۷/۱/۱۲



هم‌میهنان مبارز !  
مردم انقلابی کردستان !  
اعضاء ، کادرها و پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان  
ایران !  
ما بخش‌بزرگی از کادرها و مسئولین نظامی منطقه  
سپه‌سنگ، اکثریت پیشمرگان شاخه ۱ نیروی قندیس،  
دو تیم از پیشمرگان شاخه‌های ۲ و ۳ این نیرو و یک تیم از  
پیشمرگان مقر مرکزی منطقه سپه‌سنگ ضمن تایید کامل  
مواضع اصولی رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران  
که در اعلامیه ده‌ماده‌ای مورخ ۱۳۶۷/۱/۱ منتشر گردیده  
است، حمایت و پشتیبانی خود را از این رهبری اعلام  
نموده، در راستای تحقق مفاد اعلامیه یادشده آماده  
هر نوع فداکاری می‌باشیم .

کادرها و پیشمرگان  
منطقه سپه‌سنگ

۱۳۶۷/۱/۱۲

رونوشت : رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

تکثیر از : بخش انتشارات  
حزب دمکرات کردستان ایران  
رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۱۳



خلق مبارز کرد !

هموطنان انقلابی !

سازمانهای مترقی و مبارز ایران !

بحران درون حزبی و اوضاع نابسامان اخیر حزب دمکوکرات کردستان ایران، که بخصوص با تشکیل "کنگره" حزب به اوج خود رسید، موجب شد که عده زیادی از کادرهای با سابقه، سطح رهبری حزب اعم از اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی و همچنین اکثریت قریب به اتفاق کادرها، پیشمرگان و اعضاء آگاه و وفادار به آرمان مقدس خلق کرد و همه خلقهای تحت ستم دیگر، که همانا مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم و رهایی از یوغ استعمار و زیردستی است، اقدام به جدا کردن صفوف خود از فراکسیون شرفکندی - قاسملو، که نماینده خط راستگرایانه در حزب بودند، نموده و در تاریخ ۶۷/۱/۱ تحت نام حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی، اعلام موضع نمایند. بهمین منظور به اطلاع عموم می‌رسانیم که ما اکثریت اعضاء کمیته، اتریش پشتیبانی خود را از این عمل انقلابی اعلام نموده و همبستگی خود را با رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران اعلام می‌داریم.

درود بر حزب دمکرات کردستان ایران و رهبری انقلابی آن

هرچه مستحکمتر باد صفوف نیروهای انقلابی و مترقی

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران

مرگ بر امپریالیزم جهانی سرکردگی امپریالیزم آمریکا

حزب دمکرات کردستان ایران

کمیته اتریش

۱۳۶۷/۱/۱۲

تکثیر از: بخش انتشارات

حزب دمکرات کردستان ایران

رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۱۴



هم‌میهنان شرافتمند !  
مردم مبارز کردستان !  
اعضاء ، کادرها و پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان  
ایسران !  
موضعگیری درست و اصولی رهبری انقلابی حزب دمکرات  
کردستان ایران که در اعلامیه ده‌ماده‌ای ۱۳۶۷/۱/۱ انتشار  
یافته است ، فرایند ضرورتی بود که در زندگی سیاسی  
حزب ما پیش‌آمده است . در حقیقت ، برای کادرهای آگاه  
و مؤمن حزب در رویارویی با سیاستهای انحرافی ، روابط  
غیراصولی در داخل و خارج از حزب و استقرار دیکتاتوری  
فردی و رواج شخصیت‌پرستی و ... از طرف فراکسیون  
شرفکندی - قاسملو ، غیر از اتخاذ یک موضع انقلابی  
راه چاره دیگری باقی نمانده بود . از اینرو ، ما اکثریت  
کادرهای مقرر " دفتر سیاسی " - از همه ارگانها -  
پشتیبانی خود را از رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان  
ایران اعلام داشته ، انتظار داریم کلیه کادرها و  
پیشمرگان حزب و توده‌های مردم کردستان از رهبری  
انقلابی حمایت نمایند و در جهت به انزوا کشاندن این  
فراکسیون با همه توان خود بکوشند .

کادرهای مقرر دفتر سیاسی

۱۳۶۷/۱/۱۲

رونوشت : رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

تکثیر از : بخش انتشارات

حزب دمکرات کردستان ایسران

رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۱۳



هم‌میهنان عزیز !  
اعضاء ، کادرها و پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان  
ایران !  
ما ، بخشی از اعضاء اصلی کانون هنری حزب ، ضمن  
پشتیبانی کامل از موضعگیری انقلابی و قاطعانه رهبری  
انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران در برابر فراقسیون  
انحمارطلب شرفکنندی - قاسملو ، آمادگی خود را در راه تحقق  
آرمانهای مقدس این رهبری انقلابی و خدمت به حزب و  
خلق اعلام می‌داریم .

کانون هنری  
حزب دمکرات کردستان ایران  
۱۳۶۷/۱/۱۳

رونوشت : رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

تکثیر از : بخش انتشارات  
حزب دمکرات کردستان ایران  
رهبری انقلابی  
۱۳۶۷/۱/۱۴



هم‌میهنان مبارز!

ما در اطلاعیه مورخ ۶۷/۱/۱ به آگاهی توده‌های مردم رساندیم و گفتیم یکی از موارد اختلاف اساسی دو طرز تفکر در حزب، مسأله دموکراسی بوده است. هنوز چند روز از انتشار اطلاعیه نگذشته بود که فراکسیون شرفکندی - قاسملو، آنها که "بدترین دموکراسی را بر بهترین دیکتاتوری" ترجیح میدادند، نقاب از چهره ضددموکراتیک خود برداشتند و آشکارا دست به تفتیش عقاید زدند و دیواری از ترس و خفقان پیرامون خود کشیدند، تا آنجا که تمامی درها را بر روی خود و کادرها و پیشمرگان بستند تا ارتباط بقایای بدنه حزب را با دنیای خارج قطع نمایند. آنها با توسل به شیوه‌های سرکوبگرانه، اعضاء مؤمن و وفادار بسوی آرمانهای حزب را تحت فشار قرار داده‌اند و در اینراه از دست‌یازیدن به هیچگونه برخورد فیزیکی و رفتار ناسنجیده و حتی زندانی‌کردن عده‌ای خودداری نکردند تا بتوانند چند مباحثی دیگر قدرت‌لرزان خود را حفظ نمایند. در این رابطه ما قبلاً در دو نوشتار برخی اعمال ناروا و ضددموکراتیک این فراکسیون را افشاء نمودیم. همانطوریکه هم‌میهنان و نیروهای سیاسی در جریان هستند، ما کراراً اعلام کرده‌ایم، آنانکه مدافع حق و حقیقت باشند، و در مقابل انقلاب و توده‌ها خود را مسئول احساس‌کننده، باید حقیقتاً خود را مکلف به حراست از دموکراسی بدانند. تحدید یا نقض دموکراسی از سوی هر فرد یا جریانی - هرچند از بام تا شام سنگ دموکراسی بسینه بزند - جز گریز از انقلاب و انقلابی‌بودن، مفهوم دیگری نخواهد داشت.

فراکسیون شرفکندی - قاسملو، در ادامه عملکردهای ضددموکراتیک خود، در مورخه ۶۷/۱/۱۳، رفیق جعفر منگوری، کادر محبوب حزب، و مسئول آموزش و پرورش سراسری کردستان، را صرفاً به اتهام مخالفت با نظرات انحرافی راستگرایان، دستگیر و پس از توهین و بی‌احترامی نسبت به وی، او را روانه زندان کردند. این فراکسیون مانند سایر جریانهای انحصارطلب و ضددموکراتیک برای توجیه اعمال خلاف‌شئون انسانی خود، اتهامات بی‌پایه‌ای را علیه کاک جعفر ردیف کرده است. ما ضمن بی‌اساس دانستن افتراهای فراکسیون، اعلام می‌داریم که تنها "جرم" رفیق جعفر اعتقادات ترقیخواهانه، او میباشد و لاغیر.

اگر تا دیروز سردمداران فراکسیون شرفکندی - قاسملو بمنظور جلوگیری از فروپاشی فراکسیونشان، برای پیشمرگان کمین می‌گذاشتند، با شیوه‌های پلیسی به منازل کادرها و پیشمرگان میریختند و حربه آنها ناسزاگویی و ضرب و جرح بود، امروز که میدانند این قبیل اعمال گرهی از مشکلات آنها نمی‌گشاید، و با چشم خود می‌بینند که فرزندان راستین حزب گروه گروه به حمایت از خط مشی اصولی و انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی بر می‌خیزند، به ناچار به بازداشت و زندانی‌کردن افراد توسل می‌جویند. اما، بدون تردید آنها از بازداشت و زندانی‌کردن مخالفان به همان اندازه بهره خواهند برد که از اعمال گذشته خود نصیبی بردند!

بولتن خبری بخش انتشارات  
حزب دموکرات کردستان ایران  
رهبری انقلابی

۱۳۶۷/۱/۲۲



## دمکراسی به سبک شرفکنندی

اعلام پشتیبانی و همبستگی کم‌نظیر کادرها، پیشمرگان و اعضاء آکسای حزب و نیروهای سیاسی از موضعگیری درست و اصولی رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران همچنان ادامه دارد.

این مقاله باعث رحمت و نگرانی شدید فراکسیون شرفکنندی - قاسملو گشته، به گونه‌ای که گردانندگان و کارکنان این فراکسیون کنتراول خود را از دست داده‌اند و هر روزی که می‌گذرد بیشتر ماهیت خود را برای توده‌های مردم کردستان و بدنه حزب پررنگ می‌سازند. به دنبال انتشار مواضع رهبری انقلابی، فراکسیون مذکور در برابر مخالفین سیاستهای خود به زورگویی متوسل شده و به اعمال خشنونت پرداخته است. برای نمونه:

- در مورخه ۶۷/۱/۳ گروهی از افراد لالانژ فراکسیون، رفیق عثمان مهدی کادر منطقه شمال کردستان را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و او را در حالیکه از ناحیه سر دچار آسیب شده و به حال اغماء افتاده بود، در جاده "مامه خه‌تیب" رها می‌کنند.

- در همانروز، رفیق خضر زارعی سرپرست کمیته شهرستان بهران‌شهر در محلی به نام "کورتک" توسط عوامل فراکسیون محاصره شده و مورد بی‌حرستی و ضرب و شتم قرار می‌گیرد.

- ساعت ۹ شب ۶۷/۱/۴ مادی شرفکنندی به همراه چند نفر ملج بر سر رفیق علی بیستوشی، پیشمرگ بهمارستان "۲۵ گه‌لاویژ" می‌ریزند، و حتی خود شرفکنندی نیز او را کتک می‌زنند و به او ناسزا می‌گویند.

- در همان شب، شرفکنندی به اتفاق افراد مذکور خودسرانه وارد منزل رفیق مولود سواره، کادر درمانی بهمارستان "۲۵ گه‌لاویژ" می‌شوند و در مقابل چشمان همسر و فرزندان وی او را کتک می‌زنند و به تلتعنین خانهاش می‌پردازند. در اینجا نیز، شخص شرفکنندی ضمن لحاشی او را کتک می‌زند.

ما در برابر این اعمال هیستریک و ناجوانمردانه تنها می‌کوشیم: این است دمکراسی‌ای که فراکسیون شرفکنندی - قاسملو سنگ آن را به سینه می‌زند!

بولتن خبری بخش انتشارات  
حزب دمکرات کردستان ایران  
رهبری انقلابی





هم میهنان شرافتمند

مردم مبارز کردستان

اعضاء، کادرها و پیشرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان ایران

موضوعی رهبری انقلابی ج- د- ک- ا- در مقابل فراکسیون

سلطه گر شرفکندی - قاطعاً و عکس العمل انفجار آمیز چندین سال

مبارزه درون حزبی علیه دیدگاههای فردگرایانه و دیکتاتورانه

این فراکسیون بود، مبارزه بر دبارانه‌ای که هدف آن حفظ وحدت

و یکپارچگی صفوف حزب در برابر رژیم ضد خلقی جمهوری -

اسلامی ایران در سالهای گذشته بود. جریان "کنگره"

و اعتراضات بدنه حزب در مقابل اعمال روشهای ضد دمکراتیک

این فراکسیون و عدم توجه آن به نظرات و خواستهای کادرها

و پیشرگان حزب در مورد برگزاری کنگره فوق العاده، اعضای مؤمن

و مسئول حزب را ناگزیر از موضعگیری صریح و قاطعانه نمود.

بی اعتنائی فراکسیون سلطه گر به اقدامات ما که به

صورت صدور قطعنامه و درخواست شفاهی، که از طریق ارگانهای

مربوطه و نمایندگان ما در مرکزیت، و چه در حضور نمایندگان

آنان در جلسات وسیع، دلیل باارزی بر این مدعا است. بنابراین

ما کمیته شهرستان بانه و نیروی آریابها، ضمن تائید مواضع

اصولی و انقلابی رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران

از مفاد مقدمه و اصول دهگانه اعلامیه این رهبری پشتیبانی

نموده آمادگی خود را برای ادامه مبارزه در این راستا اعلام

می داریم.

کمیته شهرستان بانه

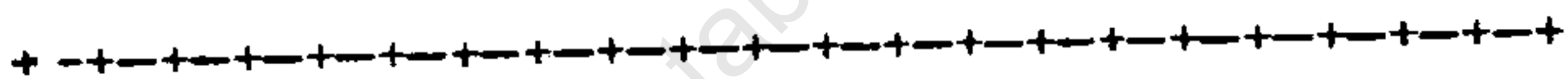
نیروی آریابها

رونوشت : حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی . ( ۳ / ۱ / ۱۳۶۲ )

تکثیر از انتشارات ج- د- ک- ا- رهبری انقلابی ۲ / ۱ / ۱۳۶۲



بدنبال انتشار مواضع رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران در اعلامیه ۱/۱/۶۷ و پشتیبانی کم نظیر اعضا، کادرها و پیغمبران حزب از این رهبری، سردمداران فراکسیون شرقی - قاسطو بنحوی دچار ترس شدند که به یکباره ماسک دمکراسی خواهی از چهره بر گرفتند و آشکارا در مقابل مخالفین سیاسی خود به سرکوب و اعمال زور دست زدند. فراکسیون نامبرده به خاطر خلاص شدن از وضع آشفته‌ئی که در آن گرفتار آمدند، بختنامه‌ای برای دارودسته خود صادر کرده است. ما این بختنامه را همانگونه که هست منتشر می‌کنیم. بپسند خواندن بختنامه می‌تواند برای روشن شدن بسیاری از حقایق، مفید باشد. تا خوانندگان خودقضاوت کنند. ما به این گفته اکتفا می‌کنیم که اعمال و رفتار فراکسیون و عمل رهبران آن آئینه تمام نمای ماهیت آنهاست.



رهنمود کمیسیون سیاسی - نظامی برای کمیته شهرستان و مناطق

- ۱- پانزده نفری که نوشته [اعلامیه ۱/۱/۶۷] را امضاء کرده‌اند بعنوان خائن به حزب و خلق و جان شناخته می‌شوند و همچون خائن و جان با آنها رفتار می‌نماید.
- ۲- پانزده نفر و همه کسانی که با آنها همراه شده‌اند و بسرای منحرفین تبلیغ می‌کنند نباید در هیچ پایگاه حزبی راه داده شوند.
- ۳- کادرها و پیغمبران و هواداران حزب در هر جا با منحرفین برخورد کردند باید آنها را بایکوت کرده و مردم کردستان و ایران و عراق را نیز تشویق کنند که آنها نیز بایکوتشان کنند.
- ۴- کادرها و پیغمبران فریب حورده تشویق شوند که برگردند و اگر پشیمان شدند و صادقانه بازگشتند لازم است با آنها ساز قبولشان کرد.
- ۵- کسانی که تا به حال با دسته منحرف بوده‌اند اما در پایگاههای حزبی مانده‌اند اگر دسته منحرف را خائن و جان می‌دانند و محکومشان

می‌کنند می‌توانند بمانند اگر کسی بظاهر این دسته را محکوم کند اما در عمل برای آنها تبلیغات کند یا برایشان کار کند، همچون جاسوس شناخته شده و چون جاسوس با آنها رفتار می‌شود.

۶- مسئولین کمیته شهرستان و مناطق، جلسه شهرستان و منطقه

برگزار کنند و در این جلسات:

الف - دسته منحرف و خائن به حزب و خلق و جان را محکوم کنند.

ب - پشتیبانی خود را از رهبری منتخب کنگره هشت اعلام

کرده و آنرا به رادیو صدای کردستان بفرستند.

۷- کمیته های شهرستان و مناطق لیست کلیه کسانی که رفته اند

به کمیسیون سیاسی نظامی بفرستند. در این لیست باید روز رفتن و

مسئولیت آنها مشخص شده و اگر اموال حزب را همراه برده اند بدان اشاره

شود. این لیست باید تا ۱۵ فروردین به کمیسیون سیاسی - نظامی

برسد.

کمیسیون سیاسی - نظامی

---

تکیرو پخش انتشارات ح - د - ک - ا - رهبری انقلابی

۱۵/۱/۱۷

هم وطنان گرامی:

برای مکاتبه با حزب دمکرات کردستان ایران رهبری

انقلابی به آدرس زیر مراجع فرمائید.

P.D.K.I. C/O KARIMZADEH

L.P. 109 75005 PARIS FRANCE



هم میهنان عزیز

رفقای گرامی

ما کادرها و بینمراگان کمیته شهرستان مهاباد و نیروی شهید پیشوا ضمن اعلام پشتیبانی از مواضع بر حق و درست رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران، اصول دهگانه، سند در اعلامیه را تأیید و تجدید عهد می نمائیم که در راه تحقق بخشیدن و شعار حزب: " دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان " با همه توان خود به مبارزه ادامه دهیم.

از این رو از کلیه کمیته ها و نیروهای حزب و توده های مردم کردستان انتظار داریم که صمیمانه و با احساس مسئولیت، رهبری انقلابی را در تحقق بخشیدن به رسالت تاریخی حزب حمایت نموده، فراقیمون شرفکندی - قاسطو را هر چه بیشتر ضروری نمایند.

کمیته شهرستان مهاباد

نیروی شهید پیشوا

۱۳۶۷ / ۱ / ۳

رونوشت: حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی

تکثیر از انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی



## اعلام پشیمانی

پس از برگزینی کنگره ۸ - ح - د - ک - ا - و آشکارتر شدن هر چه بیشتر سیاستهای ضد دموکراتیک بخشی از کادر رهبری، بخش دیگری از کادر رهبری حزب در تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۶۷ (۱۹۸۸/۳/۲۱) در اعلامیه ای کوششها و اقداماتی را که برای بصیر انقلابی و دموکراتیک انداختن دوباره حزب، حزب محبوب خلق کرد در مرحله کنونی مبارزه صورت دارد، در ماده زیر فرموله کردند:

۱- بازازی مبانی ضد امپریالیستی در حزب و طرفداریها و مانورهای سازشکارانه و راستگرایانه، فراکسیون شوکندی - قاسم در معاشات با محافل امپریالیستی و اپوزسیون ضد انقلابی وابسته به آن.

۲- کوشش در راه استقرار روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و شرقی، گسترش و تقویت روابط با احزاب و سازمانهای شرقی، و همبستگی با جنبشهای رهایی بخش ملی.

۳- تأکید بر ادامه و گسترش مبارزه مسلحانه و نفی سیاست سازشکارانه و مذاکره جوانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی، سیاستی که جز ایجاد توهم نسبت به ماهیت رژیم نتیجهای در بر نداشته است.

۴- پشیمانی از صاعی بین المللی در جهت خاتمه بخشیدن به جنگ ویرانگر ایران و عراق و استقرار صلح میان دو کشور بر اساس قطعنامه ۵۹۸ - شورای امنیت.

۵- تلاش در جهت تشنج زدایی میان حزب و سازمانهای مبارز، دموکرات و انقلابی در سطح کردستان و ایران، کوشش در راه ایجاد روابط دوستانه و همکاری با اپوزسیون انقلابی بر اساس اصل احترام متقابل بنظر تقویت هرچه بیشتر جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد و تحکیم پیوند این جنبش با مبارزه سراسری در جهت سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی و استقرار رژیم دموکراتیک در ایران.

۶- حذف مطالب و موضوعات انحرافی و ارتجاعی که بر اثر اعتقادات و گرایشهای غیر دموکراتیک این فراکسیون در برنامه و اساسنامه وارد شده است.

۷- اعاده اصول و ارزشهای دموکراتیک در اگانهای حزبی، رعایت حقوق و حفظ پرستیژ سیاسی و اجتماعی اعضا و حلست از دموکراسی هم در داخل حزب و هم خارج از آن .

۸- طرد آئین شخصیت پرستی و مبارزه با تمرکز قدرت و تعیلات دیکتاتور- مابانه • افراد .

۹- کوشش برای جذب مجدد کادرها، اعضا و پیشمرگانی که بر اثر سیاستهای نادرست این فراکسیون از حزب اخراج یا به انفعال کشاننده شده اند. این اصل شامل کسانی نمی شود که بسپهرتشیوه ای مرتکب جنایت یا خیانتی شده اند .

۱۰- حلست از ارزشهای بشر دوستانه و رعایت هرچه بیشتر مانی اخلاقی و اجتماعی در جهت ایجاد حسن نیت و همبستگی رفیقانه در کلیه ارگانهای حزب .

ما بطورکلی از محتوای این اعلامیه رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران پشتیبانی می کنیم و از همه اعضا آگاه حزب می خواهیم که به این دعوت پاسخ مثبت بدهند .

بدینوسیله کمیته موقت ح د ک ا - در سوئد ، آغاز فعالیت خود را اعلام می دارد و از همه اعضا و هواداران در سوئد می خواهد که با شکیائی و تکیه به ضدهای سیاسی از اقدامات و کوششهایی که برای هدایت حزب در جهت دموکراتیک انجام می گیرد صمیمانه بکوشند .

ح - د - ک - ا - رهبری انقلابی

کمیته موقت سوئد ۱۳۶۷/۱/۲۲ (۱۱/۴/۸۸)



## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له درباره :

### موقعیت کنونی حزب دموکرات و ختم درگیری داخلی در کردستان

=====

**کارگران و زحمتکشان !  
مردم مبارز کردستان !**

بحران سیاسی و بین بست عملی حزب دموکرات آنرا به انشعاب گشاید. اینک سردرگمی و پهریشانی تمام پیکربخشیهای مختلف این جریان را در بر گرفته است. مناقشات و افشاکاری های متقابل جناحها و گروه بندی های حزب با مراحت تکان دهنده ای موقعیت و سیمای سیاسی امروز حزب دموکرات را در برابر مردم تصویر می کند. اکنون دیگر عمق انحطاط و بی افقی و ناتوانی سیاسی حزب دموکرات بیش از هر زمان آشکار شده است. اما برخلاف آنچه طرفین این منازعه ادعا می کنند، وضعیت کنونی و بحران عمیق حزب دموکرات رویدادی ابتدا به ما کن نیست که در آخرین کنگرس حزب و مرفاد در نتیجه مقام طلسمی یکی و بانده بازی دیگری، استبداد منشی یکی و بی اصولی دیگری و نظایر آن به وقوع پیوسته باشد. سر نوشت احزاب و نیروهای سیاسی قبل از هر چیز تابعی از موقعیت عینی آنان در صحنه مبارزه طبقات در جامعه است. بحران و بین بست حزب دموکرات اما با انعکاسی از این واقعیت است که کارگرو زحمتکش کرد، با خواسته ها و مطالبات خود، با پرچم خود، با سازمان و حزب خود با به میدان گذاشته و به نیروی محرکه جنبش در کردستان تبدیل شده است. بحران حزب دموکرات انعکاس این واقعیت است که در متن مناسبات سرمایه داری طبقه کارگر آنچنان وزن اجتماعی و سیاسی یافته است که دیگر می تواند محور همه تحولات اجتماعی قرار بگیرد. عقب ماندگی های سنتی و خرافات و تعصبات ارتجاعی در برابر ظهور و رشد این طبقه پیشرو رنگ می بازند و تمام آن احزاب و جریان های کسبه موجودیت خود را به چنین عقب ماندگی هایی متکی کرده اند به اضحلال و انزوا کشیده می شوند. سیر رشد آگاهی سیاسی توده های کارگرو زحمتکش و مطرح شدن شمارها و مطالبات دموکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر در کردستان در همین حال سیر نزول و انزوای این حزب بوده است. حزب دموکرات بعنوان جریانی که دیگر به گذشته جامعه کردستان تعلق دارد، بعنوان جریانی که نه قادر به درک مسائل نوجنیش و جامعه بود و نه با رای ارائه پاسخ و راه حلی در قبال این مسائل داشت به انزوا و بحران کشیده شد.

حزب دموکرات واقعیت تغییر یافته جامعه کردستان را انکار کرد و در برابر آن قدامت کرد. حزب دموکرات نپذیرفت که کردستان امروز، کردستان کارگران و زحمتکشان و جنبش امروز، جنبش کارگران و زحمتکشان است. حزب دموکرات حتی وجود طبقه کارگر در کردستان را منکر شد و در برابر کارگرو زحمتکش کرده خواسته ها و آرمانهای او، نهایتاً حزب سیاسی او ایستاد و امروز تاوان این کوتاه نظری و خشک مغزیری می پردازد.

درباره به چنین بین بست و انزوای سیاسی بود که حزب دموکرات در ۲۵ آبان ۴۳ تعرض مسلحانه سازمان یافته ای را به واحدها و مقرهای پیشمرگان کومه له آغاز کرد. توطئه مسلحانه علیه کومه له از جانب حزب دموکرات تا زگی نداشت. اما آنچه دوره اخیر را متعابری ساخت این بود که اینبار حزب دموکرات به پیسک جنگ سراسری و تمام عیار با کومه له پای گذاشته بود. رهبری حزب دموکرات میبنداشت که میتواند بدیه نیروی اسلحه روند پیشروی حزب و طبقه پیشرو در کردستان و سیر اضحلال و انزوای سیاسی خود را کند کند. حزب دموکرات با هدف محدود ساختن دامنه فعالیت آزادانه کمونیستی و مرعوب ساختن کارگران و زحمتکشان کردستان به جنگ با کومه له دست باز زد و طی این مدت علاوه بر یکا رگیری همه ظرفیت نظامی اش بر علیه کومه له، با دستاویز قرار دادن ابرارهایی چون مذهب، ناسیونالیسم تنگ نظر، اخلاقیات عقب مانده نسبت به زنان و غیره کوشید تا بلکه برای تعرض نظامی اش به کومه له بشتواند. مادی در میان ارتجاع کردستان بوجود بیاید. اما واقعیات سر سخت تغییر یافته جامعه کردستان و انگای کومه له به نیروی کارگر و زحمتکش بیدار شده کرد. هر روز بیشتر بی نتیجه بودن این تلاشها را به رهبران این حزب میفهماند. این جنگ و پهریشانی کومی و سردرگمی سیاسی و تبلیغاتی حزب دموکرات در بی آن، این حزب را بیش از پیش در یک تجربه زنده سیاسی به مردم و به ویژه زحمتکشان کردستان شناساند.

ما طی این دوره بارها از حزب دموکرات خواستیم که از خصومت قهرا میز با کارگر و زحمتکش کرد و ستیزه -

جوبی مسلحانه با نیرویی که پرچم آرمانهای کارگری در کردستان را برافراشته و در دل زحمتکشان کردستان جای گرفته است دست بردارد. ما بارها از حزب دموکرات خواستیم که دموکراسی در کردستان و شرایط فعالیت آزادانه زحمتکشان و نیروها و احزاب سیاسی در آنرا محترم بشمارد. ما به حزب دموکرات هشدار دادیم که نمیتوان به زور اسلحه کومه له را وادار به سازش بر سر سیاستها و اهداف خود نمود و این تفلها جز لطمه زدن به جنبش خلق کرد در مقابلهاش با جمهوری اسلامی و رسوایی و انزوی سیاسی برای حزب دموکرات حاصل نمیخواهد. تا کما می های نظامی بی دربی حزب دموکرات در جنگ با کومه له و امروز انشعاب و پسران آن، حقانیت پیش بینی ها و هشدارهای ما را به ثبوت رسانده است.

کومه له در برابر سیاست جنگی و ارتجاعی حزب دموکرات با قاطعیت ایستاد. هدف ما این بود که بی حاشی این سیاست به حزب دموکرات اشبات شود و شرایطی فراهم گردد که در آن نیروهای ما بتوانند فارغ از مزاحمت حزب دموکرات، به هدف اساسی خود، یعنی نبرد با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی معطوف گردند. امروز حزب دموکرات از لحاظ توانایی های عملی خود به چنان موقعیتی سوق پیدا کرده است که دیگر قافله در بهایجاد مزاحمت جدی بر سر راه فعالیت کومه له نیست. لذا از آنجا که هدف ما نه انتقام جوبی از حزب دموکرات بلکه رسیدن به شرایطی است که در آن دموکراسی در کردستان برای آگاهگری و سازمانیابی طبقه کارگر برقرار بماند و حقوق اولیه مردم زحمتکش و فعالیت آزادانه احزاب و نیروهای سیاسی مورد تعرض قرار نگیرد، و نیز بنسب به مصالح جنبش انقلابی مردم کردستان در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، از تاریخ مدور این اطلاعیه از جانب خود با هر دو بخش جریانی که بنام حزب دموکرات کردستان ایران فعالیت می کنند، آتش بس و ختم جنسک اعلام می کنیم.

افزاده می کنیم که "حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی" اخباری اطلاعیه ای به سه هم خود ختم جنگ با کومه له را اعلام کرده است. ما این حرکت را کامی مثبت ارزیابی می کنیم. اعلام ختم جنگ از هر دو طرف این امکان را فراهم کند تا طرفین مناسبات خود را بطور مسالمت آمیز و در یک فضای تعامل و بر اساس موازین دموکراتیک تنظیم کنند.

سیاست ما مبنی بر اعلام یک جانبه آتش بس بر مبنای مسئولیت کومه له در قبال جنبش انقلابی مردم کردستان و در نظر گرفتن مصالح مبارزه سراسری علیه جمهوری اسلامی اتخاذ گردیده است. ما اعلام می کنیم مادام که هر جریانی از حزب دموکرات علیه کومه له به اقدام مسلحانه دست نزنند و به زور اسلحه مانعی بر سر راه سازمان یابی و فعالیت سیاسی کارگران و زحمتکشان کردستان ایجاد نکنند، کومه له علیه آن دست به اسلحه نخواهد برد. در عین حال از آن بخش از حزب دموکرات که تحت نام کنگره هتم فعالیت میکنند و هنوز سیاست تداوم جنگ با کومه له را کثرت نگذاشته است می خواهیم که پیش از این در مقابل خواست توده های مردم نایستد و ختم جنگ و اصل احترام به دموکراسی را بپذیرد.

کمیته مرکزی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له

۱۳۶۷/۲/۳





همسپهان گرامی !

اعضا، کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران !

به دنبال اعلام موضع رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران مبنی بر طرد فراکسیون شرفکندی - قاسلو که مدتها با اعمال روشهای غیردمکراتیک و اتخاذ سیاستهای راستگرایانه، حزب ما را چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی، از حیطه انقلاب دور نموده بود، اینحساب نیز وظیفه انقلابی خود می دانم همبستگی خود را با رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران اعلام دارم .

دوستی و دل بستگی آقای قاسلو با احزاب سوسیال دمکرات و دمکراسی غربی، مشارکت وی در کنگره انترناسیونال سوسیالیست در لیما، و ابراز تمایل ایشان جهت ایجاد رابطه با امپریالیسم آمریکا، هماهنگ کردن سیاستهای خارجی حزب با سیاست احزاب سوسیال دمکرات، دوری جستن از کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی به این بهانه که گویا این دولتتها حاضر به دوستی با حزب ما نیستند، و تبلیغات بی اساسی در این رابطه، و همچنین ایجاد فضای متشنج در رابطه با سازمانهای اپوزسیون ایرانی و کردستانی، و در این میان نزدیک شدن به اپوزسیون فداانقلابی و اتخاذ سیاست مذاکره جویانه با رژیم جمهوری اسلامی و... مشی راستگرایانه فراکسیون هستند.

فراکسیون به تناسب سیاستهای راستگرایانه خود از لحاظ تشکیلاتی نیز ناپامانیهستی بسیاری را در درون حزب بوجود آورد که از جمله میتوان به رواج تبعیضات و بی عدالتیها در تشکیلات حزب، ایجاد سیستم بوروکراسی، اجرای برنامه های پاکرانی تحت عنوان تعقیب، زیرساخت گذاشتن اسانامه حزب، تحمل نکردن نظرات مخالف در درون حزب، سوء استفاده از دارا شیپسای حزب، انحراف از پرنسیپهای حزبی و در یک کلام اعمال دیکتاتوری و بونوردهای سکتاریستی اعضای مرکزیت اشاره کرد.

سرخوردهای اخیر فراکسیون با کادر و پیشمرگان و موضعگیری آن در مقابل رهبری انقلابی کند از هر پرنسیپی بدور است، نمونه بارز دیگری از عملکردهای غمراصولی و غیرمسئولانه است فراکسیون است.

خلق کرد در ۹ سال گذشته بسی رنجها و دشواریها را در سارزه برای دستیابی به حسیب سبب سرنوشت خویش متحمل گشته و در این راه هزاران نفر از رشیدترین فرزندانش را قربانی کرده و اکنون نیز هزاران نفر دیگر از فرزندان خلق ما در سی تحقق آرمان وائی شهیدان در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران و در میدانهای نبرد علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سارزه مینمایند و یقینا تا سرانجام پیروزی دست از بیکار نخواهند کشید.

طرد فراکسیون سلطه گر از جانب رهبری انقلابی وظیفه خطیری پیش روی اعضا و کسادر و پیشمرگان از جان گذشته قرار داده است تا با اعلام پشتیبانی از رهبری انقلابی حزب دمکرات از یک سو به رسالت تاریخی خویش عمل نمایند و از سوی دیگر با طرد فراکسیون شرفکندی قاسلو پیروزی جنبش ملی- دمکراتیک خلق کرد را سرعت بخشند.

از این رو از عموم کادرها و پیشمرگان قهرمان حزب، بخصوص در منطقه جنوب انتظار میرود که با ملحق شدن به رهبری انقلابی صف خود را از فراکسیون جدا کرده و به وظیفه انقلابی خود عمل نمایند. بدون تردید زحمتکشان جنوب کردستان بویژه ساکنین مناطق کرمانشاه مریوان، سنندج و کامیاران، که همواره یار و یاور حزب محبوب خود بوده اند، در ایس مقطع حساس نیز به رسالت خود در برابر جنبش عمل خواهند کرد، به پشتیبانی از رهبری انقلابی برخواهند خواست و فرزندان پیشمرگ خود را با همه قدرت کمک خواهند نمود.

همچنین از کلیه اعضای حزب که در زیر پوشش تشکیلات محلی سازمان یافته اند انتظار سرود با پیوستن به رهبری انقلابی، فراکسیون شرفکندی - قاسلو را در میان توده های زحمتکش جنوب کردستان منزوی نموده هرچه بیشتر این فراکسیون را افشاء نمایند.

بیروز باد جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد !

سرنگون باد رژیم ارتجاعی و فداحلقی جمهوری اسلامی ایران !

عمر شریفزاده

عضو مشاور کمیته مرکزی و

مسئول کمیته منطقه جنوب

۱۳۶۲/۱/۳۰



## اطلاعیه مطبوعاتی شماره: ۳

بعد از پخش خبر صدور اعلامیه رهبری انقلابی ح- د- ک- ا- توسط A.F.P، نماینده دکتر قاسطو در پاریس در جواب سؤالات آژانس مزبور از جمله اظهار داشته است که: (( اعلامیه منتشره توسط سازمان مجاهدین خلق ایران دیکته شده است ))؟!!

اعلام میداریم اظهارات نماینده فراکسیون شرقی- قاسطو صرفاً اتهام پراکنی بوده و هم چنانکه همیشه در برابر کجروی ها و انحرافات دکتر قاسطو ایستادگی نموده ایم خود نشانه استقلال رأی و ثبات نظریات ما می باشد.

ولی باتوجه به مواضع اعلام شده در اعلامیه مورخه ۶۷/۱/۱ حزب ما خواهان همکاری با همه سازمانهای انقلابی و مبارزان ایرانی از جمله سازمان مجاهدین خلق می باشد. اعلام همبستگی سریع و همه جانبه کادرها و پیشمرگان و اعضا آگاه حزب با رهبری انقلابی تلاشهای فراکسیون دکتر قاسطو نمایندگانش را بی فرجام خواهد گذاشت.

سخنگوی حزب دمکرات کردستان ایران

رهبری انقلابی

۶۷ / ۱ / ۵

# فراخوان

هموطنان مبارزه‌پناهندگان سیاسی!

بیش از این نمی‌توان شاهد پایمال شدن حق‌تجمع سیاسی و تبلیغ عقاید در "سپه انزلی" و "سپه پاریس" بود. ما سالهاست از این حذر دفاع کردیم و نوازش و تشویق‌های بسیاری در این راه گذرانده‌ایم. آزادیتجمع سیاسی در پنروز همین برای ما و ساعت و نیم در هفته و حق‌تجمع و ابتدای ما است. ما آزادییم بعد از آنها کثاکت خونین بین حامیان انقلاب و خائنین و وصف بندیها سیاسی شکل گرفته در پرتالها جناسی از صف‌حامیان انقلاب دفاع کنیم. ما آزادییم در خدمت منافع و مصالح توده‌ها و مردم ایران و در مبارزه بر علیه نظم نیکت یار کسونس، از پذیرفتن کلیه مدافعین استیارات سرمایه و خائنین به سفرو خود اجتناب کنیم.

دو سه هفته اخیر را خوب خاطر داشته باشید که چگونه دستمای "توده‌هایما" روزهای همیشه خود را رها ساخته‌ها مناهن رها کارانهای چون "میوزکداری و فروش نشانی" و "مکار به این حق‌تجمع‌ها" کردند. و پس مانده‌ها (با آنها نظیر "اکثریت" با تمام قوا فریاد برآوردند که گویا ما سینه را در تمام روزهای هفته "تسپول" خود در آورده‌ایم.

بیاید بیایید حملات و حمله‌های که این دسته‌ها در گوان همکاری رژیم جمهوری اسلامی به همراه فالانژها رژیم با نوره چوبه‌چاق و زنجیر و سنگ‌های سلب‌همین حق‌تجمع از غش‌ماه در سال ۶۰ بر علیه نیروهای سیاسی در سینه انجام دادند. بیاید بیایید (اگر در آن سالها در فرانسه نبودید مطلع باشید) که چگونه ما را مجبور کردند بجای روزهای خشم - این دستاورد جنبش دانشجویی - جمعه را برای استفاده از این حق‌تجمع‌ها بکنیم. بگذارید آنان به اعمال سرکوبگرانه خود باز هم ادامه دهند. به دروغ شوشل شوند و بر کارنامه سپاه و تنگین خود باز هم بیافزایند.

بگذارید محدودیاز عناصر "راه کارگری" در پاریس و در دفاع از این اعمال به تعاضی و اهانت به رفقای و ایحاد درگیری با هواداران نیروهای انقلابی در سینه کشیده شوند. تا بلکه "راه کارگری" بر رفتار غیر سیاسی و لنین منشانه این گروه افراد اندکی بیاندیشد و بر آن چارهای بچود. نه اما گذشته "توده‌هایما" اکثریتی" ها و نه اعمال اخیر آنها هیچکدام مورد اغماص قرار نخواهد گرفت. رده‌ها و های اخیر جلگی بیانگر آنست که آنها نقشه کشیدن هواداران نیروهای انقلابی به درگیری را تمهیب کنند تا از این طریق در گام اول حینت جنبش انقلابی را لکدار سازند. اما ما با صفوی منظم و آرام و مطمئن برای دفع این توطئه از این پس بجای جمعه و روزهای شنبه را برای تجمع خود انتخاب می‌کنیم.

هموطنان مبارزه‌پناهندگان سیاسی!

بنام مدافع آزادی و حق‌تجمع ما بنام مدافع حامیان صفا انقلاب سردا همانگونه که در طوفان‌های بی‌سره از ۶۰ نشان دادید و افراد فالانژها و دسته‌های توده‌هایما - اکثریتی را فراهم نمودید. این بار نیز نشان دهید که حاضر نیستید به هیچ عنوان و در هیچ شرایطی در کنار سفید انقلاب و خائنین قرار بگیرید.

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه

(هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلوا ایران "اقلیت")



سازمان آزادیبخش فلسطین

رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین جناب یاسر عرفات

بادرودهای انقلابی، اجازه می‌خواهم بنام حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی بمناسبت شهادت تاسف‌بار سردار رشید جنبش‌رها یبخش خلق فلسطین، ابوجهاد، مراتب تاسف عمیق خود را ابراز داشته صمیمانه ترین تسلیت‌ها را تقدیم دارم. خلق کرد در کردستان ایران و همه اعضا حزب ما خود را در این مصیبت بزرگ شریک و سهیم می‌دانند. بدون تردید خون مطهر شهیدانی چون ابوجهاد درخت مبارزه خونبار خلق فلسطین را هرچه بارورتر و آزادی‌نیاخاک این خلق مظلوم و نسنوه را سرعت بیشتری خواهد بخشید.

حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی

جلیل گادانی ۱۳۶۷/۲/۷

# حضور توده‌ایها و پایکوبی به سبب "راه کارگر" و "آزادی کار"

در تاریخ ۸ آوریل ۸۸ بار دیکرسیته پاریس شاهد تلاش مذبوهانه توده‌ایها جهت میزگزاری در کنار دیگر نیروهای سیاسی بود. جمعی توده‌ای که اینبار لباس "حزب دمکرات مردم ایران" را به تن کرده‌اند سعی داشتند تا خود را به محل تجمع نیروهای سیاسی تحمیل نمایند.

توده‌ایهایی که به همراه فرزندان خلف حوشر یعنی اکثریتی‌های خائن، بعدت فریب به ۶ سال یعنی تا هنگام تیپای رژیم از تمامی اعمال و حرکات رژیم در سرکوب جنبش انقلابی - دمکراتیک خلقهای ایران حمایت همه جانبه بعمل آوردند. همان کسانی که با شرکت فعال و همکاری مستمر در ارگانهای سرکوب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، لودادن انقلابیون، برگزاری شوهای تلویزیونی، نفی شکجه در زندانها، تبلیغ و تهییج مردم جهت شرکت در جنگ ارتجاعی و "میهنی" را خواندن آن، تشویق و تهییج کارگران به تولید بیشتر جهت تغذیه ماشین جنگی رژیم، شرکت در گشتهای ثارالله و جندالله و تأیید قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی و... امثالهم بار دیگر ماهیت ضد انقلابی و آستان بوسی اشان به بارگاه سرمایه رابه وضوح به اثبات رسانیدند. اینک که دستشان از همه جا کوتاه شده است، بیکیاره با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای مختص این دارو دستفصد انقلابی، پی برده‌اند که -

"اشتباه" را کرده‌اند و نه خیانتی به انقلاب و نه جنایتی در حق توده‌ها.

اما همین قبول اشتباه تاکتیکی اینها اپورتونیستها را به پایکوبی وا داشته است. قبول "اشتباه" را توده‌های جماعت از جانب "راه کارگر" و "آزادی کار" تا حدی که اینها دیگر میتوانند در کنار دیگر نیروهای سیاسی در اماکن تجمع عمومی جای داشته باشند، از بینش خطرناکی نشات می‌گیرد، بینشی که معلوم نیست اگر فردا دست اندر کاران رژیم هم در اثر تضادهای درونی خود در جهت سرکوب هر چه بیشتر توده‌ها از نظام به بیرون پرتاب شده و قبول کنند که "اشتباه" کرده‌اند یا چگونه چنین منطقی می‌تواند از حضور اینان مانعت به عمل آورد؟ چه در ادبیات اپورتونیسم - رفرمیسم تمامی قدم و قلم داران، هر کسی که باشد با گفتن یک "اشتباه کردیم" ساده، می‌تواند در جبهه‌های مشکل شده تا متفقا و همه با هم، در جهت شکست انقلاب قدم رنجه نمایند.

حرکت "راه کارگر" و "آزادی کار" در مقابل عمل یکپارچه نیروهای سیاسی در سبب پاریس که جهت اعتراض و جلوگیری از تشنج در گام نخست اقدام به جمع کردن میز نشریات خود نمودند و پس از فشاری اینان در قبول "توده‌ایهای دمکرات" را؟ در کنار دیگر نیروهای سیاسی، به روشنی نشاندهنده این مطلب است که حضرات نیروهای ضد انقلابی را به دیگر نیروهای انقلابی و مترقی ترجیح می‌دهند. هر چند که این مسئله هیچ چیز تازه‌ای جز جلوه‌ای از سیاست آشتی طبقاتی، که اپورتونیسم - رفرمیسم مبلغ آن می‌باشد را در بر نندارد، اما خود حامل یک نکته مثبت است و آن اینکه می‌توانیم بار دیگر در عمل نیز گرفته شد.

ماجرای جمعه ۸ آوریل سبب پاریس بخوبی نمایانگر انتخاب سیاسی سوپرمارکتی است بنام "راه کارگر"، که جهت پر کردن قفسه‌های خود از دستیازی به هر جنس رنجلی نیز فرو گذار نیست. حمایت "راه کارگر" و "آزادی کار" در نشریات خود و مجامع سیاسی از اینگونه توده‌های جماعت ادامه سیاست نزدیکی اینها با جناحهایی از حزب توده و اکثریت می‌باشد. در عین حال سوسیال دمکرات خواندن این جماعت توده‌ای و در چارچوب سوسیال دمکراسی ارزیابی نمودن آنها از جانب "راه کارگر" و امثالهم نیز چیزی نیست که از ماهیت ضد انقلابی اینها بکاهد.

بر خلاف تمامی این اراجیف، توده‌های مردم در زندگی روزمره خود بخوبی این مسئله که توده‌ای - اکثریتی با هر تلبوسی که بمیدان آید، جز خیانت و دشمنی با کارگران و زحمتکشان، کار دیگری نداشته و ندارد را تجربه کرده‌اند. کارگران و زحمتکشان بخوبی بر این امر واقفند که توده‌های - اکثریتی‌ها با هر شکل و شمایل و تحت هر نام که باشد رسواتر از آن هستند که هر نوع اتیکتی و هر نوع سوپرمارکتی بتواند به آنها اعتباری بخشد، و مردم با همان خشم و انزجاری به اینها

نگاه می کنند که به رژیم جمهوری اسلامی می نگرند. در نزد توده ها جرم این جانیان از جرم خمینی و دارو دسته اش کمتر نیست. بر خلاف پندارهای "راه کارگر" و "آزادی کار" و امثالهم دیگر بر همگان روشن است که توده های ما - اکثریتی ها - اگر در پوست میش نیز فروروشند ماهیتا همان گرگهائی هستند که هدفی جز خیانت و ضربه زدن به انقلاب ولی این بار از درون را در سر نمی پروراندند و بایستی "راه کارگر" و امثالهم بدانند که گاه زدن در این ره عاقبتی بهتر است از سرنوشت توده های - اثر پتی را در بر نخواهد داشت.

هر چند پرنسیب انقلابی ما بعنوان انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق به ما حکم می کند که از پذیرش ضد انقلاب در کنار حویشر در محل تبلیغ نظرات خود، خودداری نمائیم اما جهت متشنج شدن اوضاع، همگام با دیگر نیروهای سیاسی در سیتیه پاریس (بجز "راه کارگر"، "آزادی کار") اقدام به عمل اعتراضی و افشاگرانه در گام نخست نمودیم و از هر گونه عمل فوری در رابطه با این عناصر صرف نظر کردیم اما در این هفته در گام بعدی خود از میزگزارى این عده قاطعانه ممانعت بعمل خواهیم آورد. اگر "راه کارگر"، "آزادی کار"، و یا هر نیروی سیاسی دیگر خواهان همکاری و پذیرش این ضد انقلابیون در کنار خود میباشند بهتر است بجای ایجاد جو تشنج در محل تجمع نیروهای سیاسی، روز دیگری را با برادران مکتبسی خود انتخاب کرده و بیش از این در جهت متشنج نمودن جو سیتیه حرکت ننمایند.

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۸

# اطلاعیه

آزادخواهان مردم شرقی و نیروهای مبارز!

در چند هفته گذشته بار دیگر شاهد تهاجم گسترده و هماهنگه "اکثریتی" ها و بخش از تودمائی ها این بار تحت نام "حزب دموکراتیک مردم ایران" به محل تجمع نیروهای سیاسی مخالف و رژیم سابق و فعلی بودیم.

این گروهها پس از چند سال فعالیت مشترک با رژیم سرکوبگر حاکم بر ایران و تنها پس از آنکه از طرف رژیم به نوکریشان پایان داده شد، امروز با تغییر نام خود سعی دادند با قرار گرفتن در کنار نیروهای مبارز بر کارنامه ننگین خود سربوین بگذارند. با توجه به اعلام و مخالفت اکثریت نیروها و ایرانیان مستقل و مبارز علیه حضور سیاسی گروههای مزبور، اصرار و پافشاری این گروهها برای حضور سیاسی در روزهای جمعه را تجاوزی آشکار به حق تجمع خود و اقدامی در ایجاد جوشش میدانیم.

— ما همچنان همانند گذشته اعلام میداریم که حاضر نیستیم در کنار نیروهای قرار بگیریم که با دستگاه سرکوبد و رژیم سابق و فعلی همکاری عملی کرده اند.

— جریاناتی نظیر راه کارگر را که در دفاع از گروههای مزبور به فحاشی و اهانت و ایجاد تشنج و درگیری با نیروهای مبارز دست زد ماند، محکوم میکنیم.

— بخاطر جلوگیری از ایجاد هرگونه تشنج و درگیری و بمنظور جدا کردن صف خود از صف سرکوبگران آزاد روزهای شنبه را برای تجمع سیاسیان در سینه اونپور سینه پاریس انتخاب کردیم و اعلام میکنیم نیروهای که روزهای جمعه در کنار این سرکوبگران آزاد قرار بگیرند جای در کنار ما نخواهند داشت.

با شرکت فعال خود در روزهای شنبه صف خود را از سرکوبگران آزاد جدا سازیم!

- انجمن هواداران حزب کمونیست ایران — پاریس
- انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه ( هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران — اقلیت )
- دانشجویان ایرانی در فرانسه — هواداران سابق سازمان پیکار
- انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه ( هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران )
- هسته هواداران نشریه سوسیالیسم و انقلاب در پاریس

پاریس ۲۷/ آوریل / ۱۹۸۸

## سقوط آزاد!

طی چند هفتهی گذشته حضور توده‌ایهای انفعالی - بانام "حزب دموکراتیک مردم ایران" - در سیتتهی پاریس و حمایت فعال رفقای "راه‌کارگر" از حضور آنان، مخالفت و واکنش غالب سازمانها، نیروها و فعالین سیاسی ایرانی را نسبت به حضور ایشان در کنار خود برانگیخت، و در این بین باعث مجادله، بحث و در مواردی نیر - کشمکش میان عده‌ای از آنها شد.

اینکه امروز هویت سیاسی و نظری این جریان "جدید" چیست و یا چه چیزی آنرا از گذشتهی خیانت بارش جدا می‌کند - البته اگر اساساً بتوان چنین تمایزی را در نامیهی کسانی دید، که سالیان سال در درون حزب توده پرورش یافته‌و تا مفرز استخوان توده‌ایند، فعلاً و در این جامورد نظرمان نیست. چرا که نباید فراموش کرد که معضل مورد بحث درباره سیاست و عملکرد جریان و افرادی است که آگاهانه و طی سالیان متمادی، ناظر و مجری سیاستهای دستگاه سیاسی و جاسوسی جریانی بوده‌اند که کارنامهی آن چیزی جز خیانت به زحمتکشان ایران را در بر ندارد. جریان و افرادی که در هر لحظه می‌توانند بمرنگی در آینه دوست و سوی خود را بر وزش نسیم باد - بویژه از جانب همسایه‌های شمالی (۱) - تنظیم کنند. از این رو بدیهی است تا هنگامی که مباحث و شواهد موجود از یکسوی نشانگر تغییرات کیفی و رادیکال در تار و پود نظری این گرایشها نبوده و از سوی دیگر ضمانتهای لازم سیاسی و اجتماعی برای گسستن واقعی اینان از آن گذشتهی ننگین درست نباشد، امکان و مواد لازم برای یک بحث جدی پیرامون چگونگی تغییرات آنها در اختیار نیست. تنها در آن هنگام است که می‌توان "انتقاد" از گذشتهی این جریان و یا "نظرات جدید" آن را جدی تلقی نموده و صحبت از یک شکل "نوین" کرد. کسانی که با تاریخ توده‌ایسم و "انتقادات" و "اشعابات" درونی آن آشنا نیستند، می‌دانند که مکانیزمهای حاکم بر اندیشه و عملکرد توده‌ای جان سخت تر از آن است که بتوان با انتقادی آبکی صحبت از جریان "جدید" سیاسی کرد.

۱- این جریان تا می‌بیند که گورباچف سیاست رابطه‌بین "احزاب برادر" را نادرست ارزیابی می‌کند، خود در زمره، منقدین وارد می‌شود و می‌گوید:

"ما به هم خود در جریان مبارزه با انحرافات حزب توده‌ی ایران، این شیوه را برگزیده‌ایم و در این راستا به آنچه که هم اکنون در حزب کمونیست اتحاد شوروی، بویژه پس از کنگره، بیست و هفتم می‌گذرد با خوش بینی و اشتیاق می‌نگریم، رفیق گورباچف در گزارش به این کنگره، در تشریح موقعیت جنبش کمونیستی جهانی و مناسبات میان آنها، ضمن تبیین گوناگونی وسیع جنبش کمونیستی و تنوع اهدافی که در برابر خود دارد تصریح می‌کند" ...

(اسناد و قطعنامه‌های کنگره ۰۰۰ بخش نخست صفحه ۱۱۴)

این نوع نگرش به قضایا، در واقع عدم صمیمیت هر نوع ادعائی مبنی بر برش از گذشتهی خیانتکار حزب توده را نشان می‌دهد، بند و بستهایی که در جریان سالهای متمادی حزب توده را به مجری او امروز دستورات عملی شوروی بدل کرده است و از سوی دیگر منابع و الگوی سیاسی و فراهم کنندهی مواد لازم ساختار فکری این جریان بوده است همچنان در نزد اینان مقام "رفیع" خود را حفظ و در اشکال جدیدتری خود را باز تولید می‌کند. هنگامی که برش از گذشته - گذشته‌ای که لااقل هزاران کمونیست از قربانیان آن هستند - دلایل و ریشه‌های تغییر خود را در چرخشهای جدید سیاستهای جامعه، شوروی جستجو می‌کند، می‌توان و باید در اسباب آن تردید نمود.



که  
اما آنچه باید بدان پرداخت و اهمیتش به مراتب بیشتر از حضور منفصلین از حزب توده - "حزب دموکراتیک مردم ایران" - در سितه‌ی پاریس است . حمایت فعال "راه‌کارگر" از آنان است ، ظاهراً "سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)" ، عزم جزم کرده است ، آنچه را که همه ، خوبان دارن در سر بزنگاه‌های متعدد "تاریخی" سیته ، پاریس (!) به تنهایی نشان دهد :

"واحدپاریس" "سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)" در اطلاعیه ، ۱۰ آوریل ۸۸ خود ، صریحاً از حضور منفصلین از حزب توده در محفل تجمع نیروهای سیاسی ایرانی در سیته ، پاریس دفاع کرد و در این انتخاب سیاسی ظاهراً ابایی نیز نداشت که در کنار توده‌ایها و هواداران بنی صدر در مقابل اکثر قریب به اتفاق سازمانها و نیروهای ایرانی حاضر در سیته بایستد . و این در صورتی است که حتی بزعم "راه‌کارگر" مواضع کنونی این حزب [ "حزب دموکراتیک مردم ایران" ] فرق اساسی با گذشته نکرده و تنها "رنگ و لعابها" تغییر نموده و یا آن که "این جریان از خیانت‌های گذشته حزبی که در آن شریک بوده - البته ، بازگر "انتقاداتی" - "شرمنده و سرافکننده" است .

براستی چه چیزی جز محاسبه‌ی ویژه سیاسی - مصالح گروهی - وجود حلقه‌ها و سنت‌های مشترک فکری ، می-توانست "راه کارگر" را در انتخاب معیارهای سیاسی اش تا این درجه از "گذشت" بکشاند تا حاضر شود در کنار توده‌ایها قرار گیرد ! آیا باید زست آزادی خواهانه‌ی "راه کارگر" را جدی تلقی کرد و آن را به پای "دموکرات" شدن "حضرات" گذاشت و یا بالعکس این ترفند "جدید" راه‌کارگر را جزئی از استراتژی کنونی این جریان مبتنی بر بازسازی خط توده‌ایسم در ایران - پر کردن خلا ، حزب توده و گرفتن جای آن - دانست ! برای دیدن چینی - استراتژی حتی لازم نیست به نوشته‌های قبلی "راه کارگر" مراجعه کرد و یا اعمال و تاکتیک‌های دیگرشان را مورد مطالعه قرار داد . دم خروس حتی در همین نوشته‌ی دو صفحه‌ای "واحدپاریس" "راه کارگر" نیز نمایان است : آنجا که در دفاع از "حزب دموکراتیک مردم ایران" این حزب را ، جریانی با "تمایلات و صبغه‌ی روسوفیل" خوانده و دلیل مخالفت ما با حضور آنها در سیته‌ی پاریس را از "ضدشوروی" بودن مانع می‌گیرد ! آیا جز جزیانی که خود پی توده‌ایسم را به تن مالیده باشد ، می‌تواند تا این حد علناً مدافع "روسوفیلیسم" گردد و مخالفت دیگران با حضور آنها را ناشی از وجود "کمپ ضدشوروی" بداند ! حتی حزب توده نیز در استفاده از مفاهیم و واژه‌ها (۲) در تعریف خود و هم خطی هایش در دفاع از "منافع شوروی" (منافع شوروی در سیته‌ی پاریس ! ) دقت بیشتری به خرج می‌داد و به شتاب این دوستان از حول حلیم توی دیگ نمی‌افتاد و چنین بند را آب نمی‌داد ! آنها در عین "روسوفیل" بودن هیچ گاه جانب احتیاط را از دست نداده و خود و هم خطی‌های خود را "روسوفیل" نخواندند و سر هر مورد کوچکی ، مسئله را بطرز هیستریک تا حد "کمپ ضدشوروی" ارتقاء ندادند .

اگر موضوع به همین جا ختم می‌شد ، مهم نبود ، حداکثر گمان می‌کردیم که رفقا اکنون چنان "شوروی" ، "شوروی" می‌کنند که اگر فردا واقعاً در زمین‌های مهمتر بخواهند خود از منافع شوروی در ایران مستقیماً دفاع کنند - "صبغه" و سایلات روسوفیلی" خود را آشکارتر نکنند - ، زمین‌های ذهنی دیگران را آماده کرده باشند . اما نکته‌ی جالب توجه تر در این دفاع جانانه‌ی "راه کارگر" از حق توده‌ایهای منفصل در این است که "دوستان" هم به تحریف و وارونه‌گوئی متوسل می‌شوند و هم می‌کوشند به خود چهره‌ای دموکرات منش دهند .

"راه کارگر" در مورد ما چنین می‌نویسد :

"رفقای "وحدت کمونیستی" که در آن هنگام [ هنگام حضور سلطنت طلبان در سیته‌ی پاریس ] موضع‌سی معقول ، اتخاذ کرده بودند . . . در این جنجال فعالانه مشارکت کردند و علیرغم اعتقادات فوق دموکراتیک

۲- "راه‌کارگر" البته در استفاده‌ی "علمی" از واژه‌ها و بدطو لائی دارد . در همین اعلامیه ، خود و یا "شوروی" را مدافع "مارکسیسم ارتدکس" می‌داند ! "حزب دموکراتیک مردم ایران" را جایی "سوسیال دموکرات" و جای دیگر "ارو کمونیست" می‌داند . از سوی دیگر در این تحلیل "آکادمیک" این "حزب" ، "بنوعی سیمای آتسی حزب کمونیست و وحدت کمونیستی" در بیگانگی هر چه بیشتر با "مارکسیسم ارتدکس" را نیز نشان می‌دهد !

(لیبرالی) شان، "ملت" را علیه حضور آنان تحریک می نمودند.

اولاً، تصور نمی کنیم که حافظه سیاسی دوستان تا این حد تاریک و فراموشکار شده باشد که باقیاس مع الفارق دو موضوع کاملاً مجزا به نتایج غیر واقعی و دلخواه خود برسند. در جریان "سپتیه پاریس" - در همان بزنگاهی که رفقای "راه کارگر" صحنه‌ی سینه را با کاخ ورسای اشتباه گرفته بودند و تنها فرق بین آن را در "رنگ آجرهایش" می دانستند و در "فرماندهی" "پانصد انقلابی" که با "مارش نظامی" مشغول تار و مار کردن سلطنت طلبان بودند! موضع ما این بود که درگیری نادرست است "چماق کشی" و "زنجیر کشی" راه مقابله با تاکتیک "سلطنت طلبان" که می خواستند خود را برای پوزیسیون تحمیل کنند نیست. همانجا گفتیم که با این تعرض سلطنت طلبان باید برخورد سیاسی کرد و با عوض کردن روز تجمع هفتگی در سبته‌ی پاریس آنها را افشاء کرد. اما همه‌ی مدافعین "دموکراسی انقلابی" و منجمله همین رفقای "راه کارگر" چنان معرکه‌ای را در سبته برپا کردند که هنوز آثار و عواقب آن پابرجاست و هنوز که هنوز است "ایرانیان" اجازه ندارند از سالی که بیست سال مداوم محل تبلیغات منظم سیاسی آنان بود، استفاده کنند. همان موقع که شما و دیگر متحدان آن روزی‌تان - که امروز از آنان به عنوان "چماق داران کمیته‌ی خارج از کشور سابق" نام می برید - می خواستید بساط "دیکتاتوری پرولتاریا" را در سبته، پاریس پهن کنید، گفتیم که درک شما از "آزادی" و "دموکراسی" درکی است مکانیکی، محدود و استالینی که در آن هیچ مخالفی حق سخن گفتن نخواهد داشت! همان موقع که شما سرمست از پیروزیهایتان، آینده جامعه مورد نظرتان را در سبته، پاریس رقم می زدید و "دموکراسی انقلابی" را تمرین می کردید! به شما و دیگر همفکرهایتان گفتیم که جامعه‌ای که شما وعده‌اش را می دهید - کمپ شوروی! - تا چه اندازه از انسانی‌ترین آرمانهای آزادی - خواهانه، سوسیالیستی تهی است! همانجا گفتیم که درک بوروکراتیک و استبدادگرای شما از آزادی، هیچ قرابتی با سوسیالیسم ندارد و شماها و امثال شماها، تنها مبشرین "آزادی" بلکه ندادندگان مسخ‌ترین چهره‌ی ممکن از سوسیالیسم می باشید.

حدود سه سال قبل نیز هنگامی که همگان در برابر درب ورودی سبته، سینه ستبر کرده و حتی مانع ورود کشتکریها به سالن غذاخوری می شدند و می خواستند هر طور شده دعوا و درگیری راه بیندازند، این ما بودیم که مخالف ایجاد درگیری شده و با تاکید بر حق آزادی بیان کشتکریها هر نوع برخورد فیزیکی را محکوم کردیم و این در صورتی است که همکن می دانند که ما کجای این کارزار و کشتکریها در کدام سو قرار دارند. همین سیاست بزعم شما "فوق دموکراتیک (لیبرالی)" ولی در واقع انقلابی و اصولی را دوستان مادر جریان درگیریهای منزای آلمان دنبال کرده و در عین خط کشی مشخص با حزب توده - که نسخه اصلی "روسوفیلیسم" در ایران بوده و آماج اصلی همه حملات و منجمله رفقای "راه کارگر" (۲) می باشد - از حق این جریان برای بیان آزاد نظراتش دفاع کردند. همین سیاست (دفاع از

۲- برای نمونه رجوع شود به "اطلاعیه کمیته" خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - واحد برلین" که در آن از "هموطنان مبارز" و "پرسیده می شود که" خائنین توده‌ای و اکثریتی از منزای برلین چه می خواهند! و در پاسخ به اینکه "اهداف خائنین توده‌ای و اکثریتی از میزگذاری در منزا چیست؟" می نویسند "کارگردهای ضد انقلابی این خائنین نیازی به سند و مدرک ندارد، چرا که لاشه‌ی متعفن آنها برای همگان عیان و روشن می باشد و اطلاعیه‌ها و نشریات و اسناد آنها مملو از چنین خیانت‌هایی است. بعد از دستگیری رهبران حزب توده و بخشی از کادرها و اعضا، اکثریت، به ناچار این خائنین از همکاری با رژیم دست شستند و خواهان مبارزه برای سرنگونی علیه رژیم گشتند. همان جبهه‌ای که در جهت سرکوب انقلاب و هماهنگ بارهبری خمینی پیشنهاد می کردند، اکنون با صد و هشتاد درجه اختلاف جهست سرنگونی حکومت اسلامی پیشنهاد می شود. ولی عملکرد ضد اسلامی و خیانت‌های آنها راه بر حضور آنها میان نیروهای انقلابی و مترقی بسته است. ۰۰۰ بناچار آنها جهت حضور در میان نیروهای انقلابی و مترقی یکی از ابزارهای ضروری جهت بدست آوردن حیثیت سیاسی از یک طرف و کاهش بحران سازمانی از طرف دیگر را در نظر دارند."

آیا تردیدی هنوز در صداقت و متناقض گوئی دوستان وجود دارد!

آزادی و حق بیان آزاد) ناظر بر فعالیتهای انواع جریانات از توده‌ایها گرفته تا سلطنت طلبان - و حتی حزب‌اللهها - خواهد بود و این نه يك "تاکتیک" بلکه جزئی لاینفک از برداشت ما از يك جامعه، آزاد و سوسیالیستی است .  
در تمامی آن بزنگاههای پیشین گفتیم، امروز نیز تکرار می‌کنیم که قائل شدن حق آزادی بیان برای کلیه مخالفین خود، بایک روز و در یک ساعت و یک محل جمع شدن و تبلیغ کردن متفاوت است، مادر عین این که حق آزادی بیان و تجمع را برای کلیه مخالفان خود - از هر دسته و گروه و جریانی باشد - بر رسمیت شناخته و می‌شناسیم، اما، از حق خود برای نشان دادن تفاوت‌های واقعی خویش - یا با استفاده از اصطلاح خود "راه کارگر" در "زیر یک سقف نایستادن" - دفاع می‌کنیم. چرا که به معنای سیاسی مستتر در آن واقفیم و به هیچ عنوان حاضر نیستیم، با قرار گرفتن در کنار آنها، به وجود سیاسی آنها "مشروعیت" بخشیم. از همین روست که برای جلوگیری از معرکه گیری در محل تجمع نیروهای سیاسی ایرانی در سितتهی پاریس پیشنهاد تعویض روز هفتگی میزگذاری و تبلیغات سیاسی را کرده‌ایم.

همواره گفته‌ایم که برای ما باور نبوده و نیستیم که "ایجاد تشنج" سرکوب و محو سلطنت طلبان، توده‌ایها و یاهر جنبندهی مخالف دیگری راه مقابله با آنان است، مشکلات سیاسی و اجتماعی با چماق و میداننداری و جاهل منشی - که هر چه باشد ضد کمونیستی و غیر سیاسی است -، حل نخواهد شد. این مکانیسم برخورد "مبارک" همان کسانی بود که در برابر سلطنت طلبان و برای "گردانهای رزمندهی پرولتاریا" علیه عوامل بورژوازی در سیتتهی پاریس (!) هلله می‌کشیدند، کسانی که در عالم تصورات خویش رنگی جز سفیدی و سیاهی نمی‌شناسند و امروز که نیز در مقام مرز بندی سیاسی بر می‌آیند راهی جز "تشنج" و "درگیری" - یا به بیان خود "راه کارگر" مشارکت چماق‌داران" - با مخالفین سیاسی، در هر مخروطی شکل تفکر خود تشخیص نمی‌دهند.

با لخره، راه کارگر مدعی است که بر اساس اعتقاد اصولی اش "مدافع آزادی بی قید و شرط" است! و به همین "دلیل" نیز "از حق حضور" توده‌ایهای منفصل" در سیتته دفاع می‌نماید! اما در همین جا و با صرف کمی دقت در عبارت کامل دوستان متوجه می‌شویم که این "اعتقاد" - بالقاً - تبصره و بابا باز بسته کردن گوشه‌ای در مقابل آن -، اتفاقاً، هم قید دارد و هم شرط! "حق" مورد دفاع راه کارگر که ظاهراً بیان رسمی تر خود را در "اعتقاد" ایشان به "آزادی بی قید و شرط" می‌یابد، مشروط به "گروه بندیهای" است که جمهوری اسلامی را ضد انقلابی می‌دانند و مدافع ضد انقلاب مدفون نیستند. - در واقع این شمای قابل باورتری از میزان اعتقاد "راه کارگر" به "آزادی" و مفهومشان از نظم سیاسی است که مناسبات احزاب و سازمانهای پایت در قالب آن فرم مسخ شده و مورد دلخواه "راه کارگر" را بگیرند. و یا به عبارت ساده‌تر تصویر صریح و خلاصه از جامعه‌ای است که اینان منادین آنند. هر چه قدر هم که اینان، امروز در هیئت آزادی خواهان ظاهر شده باشند، این امر، اما نباید سوء تفاهمی در حدود "آزاد" منشی "راه کارگر" ایجاد کند. در این نوع از تفکر، آزادی - در بهترین حالت - نه يك اصل شامل که تنها ابزاری است که می‌توان و می‌باید در لحظه‌ای مشخص - و بنا بر مصالح فرقه‌ای - از آن سود جست و در جای دیگر و با عناوینی متفاوت سرکوب را با پوشش "قهر طبقاتی" جایگزین آن کرد. و این یعنی نه تنها دوزخ بازی و روی دیگر استبداد منشی است، بلکه از بدترین نوع - بویژه از نوع اردوگاهی و ماکیاولیک - آن است .

■ ■ ■

اما صرف نظر از خلط مبحث دوستان و در ارتباط با وقایع چند هفته‌ای گذشته در سیتتهی پاریس، و صرف نظر از "دموکرات منشی" راه کارگر و مطلب را با صراحت از هم اکنون اعلام می‌کنیم که:

۱- به هیچ طریقی حاضر نخواهیم شد که در کنار کسانی قرار بگیریم که در همدستی با یکی از متوحش ترین رژیمهای قرن، آرمانها و آرزوهای يك نسل را به نابودی کشانند و به این ترتیب جاده "مشروعیت" و "اعتبار" آنان را صاف کنیم. کسانی که امروز در برابر بیلان اعمال و سیاستهای جنایتکارانهی خویش تغییر نام خود را

مجوزی دانسته و در برابر پاسخ به خیانت‌های گذشته خویش - آنهم نه در یک بحث و بازنگری انتقادی همه جانبه - با اظهار اینکه "۰۰۰ همگی ما هر چند ناآگاهانه ((!)) در انحرافات حزب ((توده)) در جریان انقلاب بهمن که تا سر حد خیانت به منافع مردم گسترش یافت ، کم و بیش ((!)) سهم داشته‌ایم !" (اسناد و قطعنامه‌های کنگره مؤسسان حزب دموکراتیک مردم ایران بخش دوم، صفحه ۴۴) (پروانتر آزماست) راه را برای هرگونه شناخت واقعی در بر خور دریشه‌ای به گذشته‌شان مسدود سازند .

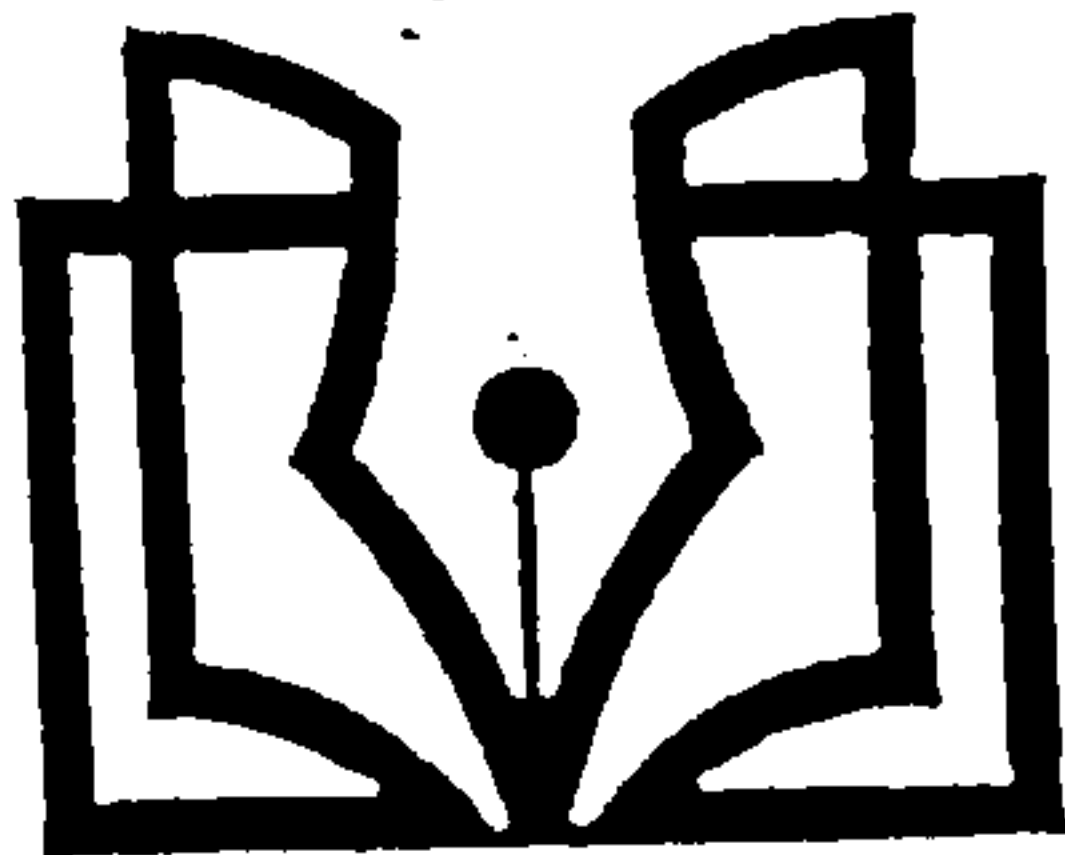
راه کارگرمی‌تواند "آزادانه" در کنار "یاران" جدید توده‌ایش قرار گیرد . از حق آنان دفاع کند ! می‌تواند نه تنها میز مشترک ، بلکه اعلامیه ، مشترک دهد ، حزب بسازد ، جبهه علم کند و ۰۰۰ ، اما آگاه باشد که با این کار امکان همکاری با چپ رادیکال را از دست خواهد داد . امکانات آن سوی مرزهای توده‌ایسم هرچقدر "غنی" باشد ، نمی‌تواند جایگزین "مشروعیت" سیاسی شود . "راه کارگر" بهتر است این مسئله را آویزه ، گوش خود کند که فرد بسیار دیر خواهد بود .

۲ - به هیچ عنوان در جوار و جنجال و شاخ و شانه کشیدن ، جریاناتی که به جای یک مبارزه‌ی سیاسی و اصولی و همه جانبه به فحاشی ، پاره کردن روزنامه و آنتریک پرداخته و گمان می‌کنند که با این نوع کارها می‌توانند خنثی سیاسی شان را پیش برند ! تن نخواهیم داد . اگر امروز ، کسانی میدان سیاست را با کودزورخانه اشتباه گرفته‌اند و فکر می‌کنند که می‌توانند با همان اسالیب میداندار مبارزه برای "دموکراسی" گردند همان به که در این گسود "زور" خود را بیازمایند و نشان دهند که فرهنگ حاکم بر آنها ، تفاوتی با همان معرکه‌بازان ندارد ! لفاظی درباره "انقلابی" خواندن چنین عملکردهایی ناشی از آن فرهنگ عقب مانده‌ای است که هیچ شناختی از مبارزه انقلابی و قوانین حاکم بر آنها ندارد ! رفقای هوادار "حزب" : "اقلیت" : "راه کارگر" و ۰۰۰ می‌توانند با هراستدلالی بجان هم بیافتند و دمار از روزگار یکدیگر در آورند ، اما بدانند که جز خدشه وارد آوردن بر چهره "چپ" هیچ گامی رابه جلو بر نخواهند داشت !

از جنبه‌ای دیگر آنچه که در این وقایع مشتمل‌کننده و تکراری هفته‌های گذشته جلب توجه می‌کرد ، مسورت "فعدی" این دور تسلسل بود . جنبه‌ای که به نوبه‌ی خود نمایشگر دنیای رازگونی آدم‌های است که در عالم خیال تصویر افسانه‌ای از خود می‌سازند ، در واقعیت خود غلومی‌کنند . نگاه نیز خود را در جلد شخصیت‌ها و رهبران پرولتاریا فرض می‌کنند . با رگهای برآمده و دهانهای کف آلود به یکدیگر دشنام می‌دهند ، گوئی که در خارج از این "دنیای" ساختگی ، زندگی واقعی تصویر او گونه‌ای از حیات انسانهاست که در آن همه چیز در خلا ، سکون سیر می‌کنند . سناریوی رقت انگیزی است . تکرار کسل‌کننده‌ی دیالوگ‌های چندش آور ، تصویر بی واسطه - از خلال نعره‌های گوشخراش وصف آرائیهای گلادیاتور و در برابر یکدیگر - ! از جامعه‌ی ایده‌آلی که اینان خود را منادیان آن معرفی می‌کنند . چنین "ایده‌آلی" تنها شایسته‌ی دگرگونی است .

هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا - پاریس

۲۷ آوریل ۱۹۸۸



منتشر کرده ایم

۲۲۲۲۲۲۲۲

از سازمان وحدت کمونیستی

از هیاداران سازمان وحدت کمونیستی

- نظری بر "در باره تفکر" اثر مائوتس درین
- یک جویزی، نظری بر "سایز طیفاتی در نیروی"
- از تایلر بنیامین
- سیاست حزب نوچه، قبل از انقلاب، بعد از انقلاب
- در باره نواصیا
- انقلاب سوسیالیستی و حق تعیین سرنوشت
- "انقلاب بر طبق ای" یا "انقلاب" در انقلاب
- بایستی به انتقاد از سببها از نظرات سازمان
- وحدت کمونیستی
- گمانه هیواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا
- شماره یک، سپتامبر ۱۹۶۱
- زنان در رژیم وایت فیلد "کارنامه هفت سال بشر"

گزیده شی از مقاله های "رهائی"

- در اثبات اسلام، ضرورت فلسفی
- (حاج اعلی ابویا - این دومین شماره است از کتاب)
- نظری بر نظرات ماروان بیگار
- نظری بر نظرات راه گریز
- نظری بر نظرات سید ابراهیم
- حزب نوچه در رژیم های ایران
- نظری بر نظرات "نیروی متحد چپ"
- درباره "سازمان انقلابی"
- درباره سازمان معاهدین خلق ایران
- برخوردی به فتنه های کثرت در کمون

- انتقادیم (نقد نظریا سببها، در شماره دوم)
- آهینه مائوتس درین و سیاست خارجی چین
- (نقد نظریا سببها در شماره سوم)
- چه باید بود؟ نظری بر گزیده و روشنی برای آینده
- روحانی تحریک، شماره های ۱۰۲-۱۰۱
- آشنی درونگ (در شماره اول)
- در باره ازبه انقلاب سوسیالیستی
- گمانات مارکس و انگس در باره مارکسیسم تاریخی
- مارکسیسم و حزب نوچه جان مالک
- (در باره نظرات مارکس، لنین، و استالین در باره)
- نویسنگی و ترجمانی در دوره سازماندهی
- نوینگیس حفظ و بازنگری فلسفی
- نقد نظریات آن
- گول مارکس، در باره جنگ
- ساریات طیفاتی در انقلاب
- گول مارکس، در اساسین های با قبل سرمایه داری
- (مثنی از گزیده ریشه)
- رهازیات، مثنی بر زندگی و آثار گول مارکس
- در باره انگس
- سالانیا، واکاوی مثنی بر اقتصاد سیاسی
- نظری بر تزار و رژیم سرمایه داری
- مثنی بر مابین نیروی انقلاب، نظری بر نظرات
- ماروان بیگار
- "رهائی در دوره دوم" در شماره ۱۱۱ شماره
- نقد نظرات اتحاد ماروان بیگار
- بر مابین نیروی انقلاب ایران
- سوسیالیسم و حزب کمونیست ایران
- انقلاب و مگرانگ با سوسیالیستی
- روحانی دوره سوم شماره های ۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳
- ۱۰۰ ۱۰۵-۱۰۴-۱۰۳

از دیگران

- روی مائوتس، در باره ادگار باج (مکتب در باره)
- در باره حاکمیت استالین، ترجمه سوسیه برادره ای
- احمد شایم، گمانان مابین نوکران
- در باره کارساینگ، بر مابین نیروی و انتشار دیگر
- ترجمه احمد شایم
- احمد شایم، بر مابین نیروی و انتشار دیگر

نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی

- نقد روحانی شماره ۱، اکتبر ۱۹۶۱
- آهینه روحانی شماره ۲، سپتامبر ۱۹۶۲
- آهینه روحانی شماره های ۱۰۲-۱۰۱، اکتبر ۱۹۶۲
- آهینه روحانی شماره ۳، دسامبر ۱۹۶۱
- آهینه روحانی شماره ۴، اکتبر ۱۹۶۰
- مارکس و لنین، شماره های ۲، ۱، در مابین اکتبر
- مارکس و لنین، شماره های ۲، ۱، ۱۰۱، در مابین اکتبر

I.S.F.  
BOX 88  
172 23 SUNDBYBERG  
SWEDEN

نشانی

هیواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا:

# فراخوان

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

هم میهنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی با تداوم جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق و به ویرانی کشیدن اقتصاد کشور، هزاران تن را به کام مرگ کشانده و فقر و فلاکت عظیمی را برتوده های مردم تحمیل کرده است.

با شرکت فعال در راهپیمایی اول ماه مه، روز جهانی کارگر، مبارزه خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای صلح، کار، آزادی گسترش داده و با برگزار کردن هر چه با شکوه تر این روز همبستگی خود را با مبارزه کارگران سراسر جهان مستحکمتر کنیم.

سازمان آزادی کار ایران (فدائشی) - کمیته پاریس  
سازمان فدائیان خلق ایران - کمیته فرانسه

اول ماه مه ۱۹۸۸



جامعه معلمان ایران

۵ اردیبهشت ۱۳۶۷ -

۲۵ آوریل ۱۹۸۸

معرفی برندگان جوایز اقتراح جامعه معلمان ایران - نتایج حاصله از این اقتراح  
تمام بحرانهای جهان را همانها بوجود میآورند که خود مدعی حل بحرانهای جهانند

حوادث جنگ ایران و عراق یکبار دیگر به ملت ایران، خاصه آنهایی که هنوز هم چشم بکرامات قدرتهای بزرگ بسته اند، ثابت نمود که این طرفداران حقوق بشر و حافظان صلح با چه حرص و ولعی ملت های در بند استبداد را قربانی تاءمین منافع اقتصادی و سوق الجیشی خویش میکنند. سران دوا بر قدرت مقارن زمانی در تدارک ملاقات در مسکو آنهم برای حفظ صلح بین المللی اند که شدت حملات موشکی به شهرهای ایران و عراق و جنگ شیمیائی رژیم عراق علیه ایران، دولت درگیر در جنگ را از پای در آورده است و ایستادن دولت، حدود هشت سال است که در آتش موشک ها و سلاحهای کشنده و ویران کننده این دو ابر قدرت و سایر تولیدکنندگان اسلحه میسوزند و نابود میشوند.

در تاریخ جنگها به قدرت اتفاق افتاده است که کشوری برخلاف بدیهی ترین اصول انسانی و اخلاقی با زیر پا گذاشتن تمام قوانین بین المللی علیه کشور دیگری سلاح شیمیائی بکاربرد. اما این اولین بار در تاریخ است که هیئت حاکمه کشور عراق بر سر ملت و صاحبان اصلی کشور خویش بمب های شیمیائی در ناحیه " حلبچه " میریزد و در یک چشم بهم زدن آن منطقه را بقبرستانی تبدیل میکند. ولی قدرتهای بزرگ و مقامات مسئول بین المللی کوچکتترین عکس العمل عملی حداقل برای جلوگیری از تکرار چنین جنایاتی نشان نمیدهند.

قدرتهای بزرگ از یک طرف با حفظ روابط حسنه با هر دو طرف درگیر جنگ، بهر دو طرف بطور نهان و آشکار، مستقیم و غیر مستقیم، با بهای سنگین سلاح میفروشند و از طرف دیگر با داشتن حق و تو در سازمان ملل، برای ادامه یافتن جنگ با زیر پا گذاشتن بدیهی ترین اصول عدالت و امتناع از معرفی متجاوز که اساسی ترین اقدام برای پایان جنگ است، تا هر زمانی که بخواهند تنور جنگ را می دمند و این فقط سرنوشت ملت هایی است که اسیر در دست نظام های دیکتاتوری اند. بنابراین دشمنان اصلی ما همه ملت های در بند استبداد حکومت های خودکامه اند، و همه ما قربانیان حاکمان مستبد خویشیم. زیرا حاصل استبداد عقب ماندگیست و عقب ماندگی نیز مانع رشد فکری و صنعتی جامعه و بالطبع مانع نیل کشور به استقلال اقتصادی است و این تجربه ایست که قرن ها در جهان بمورد آزمایش گذاشته شده است.

بازندگان این جنگ دولت ایران و عراق اند و برندگان آن قدرتهای بیسزرگ و فروشندگان اسلحه، و هر چه این جنگ بطول انجامد سود آنها نیز کلان تر میشود. تازه پس از اتمام جنگ نیز برای ترمیم بسیاری از ویرانی هایی که بعلمت عقب ماندگی صنعتی و فنی،



انجام آن از عهده هیچیک از دورژیم درگیر جنگ ساخته نیست ، سالهای سال ثروت این دولت به جیب همین قدرتهای بزرگ سرازیر خواهد شد .

وجود همین استثمار رویی عدالتی ها است که بحرانها و ناآرامی های جهان روز بروز تشدید میشود و تمام بحرانهای جهان را همان ها بوجود میآورند که بنام رفع بحران های جهانی و حفظ صلح بین المللی برای تقسیم ثروت مناطق عقب افتاده در بین خویش ، بر سر میز مذاکره می نشینند .

همه این تجربیات تلخ تاریخی دیگر جای هیچ شک و شبهه ای برای هیچکس با قسسی نمیگذارد که برای رهایی از همه مشکلات و معاشی که دامنگیرمان شده است فقط و فقط باید به نیروی ملت خویش متکی باشیم .

### نتایج حاصله از اقتراح جامعه معلمان ایران

۱ - جامعه معلمان ایران با دست یابی به یک پشتوانه مردمی از طریق برقراری یک اقتراح درباره شرایط پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق و گردآوری ۱۲۹۴ پاسخ از هموطنان داخل و خارج کشور ( تا انقضای موعده مقرر ۹۵۴ پاسخ و از آن پس تا کنون ۳۰۰ پاسخ دریافت گردیده است که ارسال پاسخ ها همچنان ادامه دارد ) - توانسته است با تکمیل این پشتوانه افکار عمومی مردم جهان را که مرجع عادلانه برای حل مشکلات جهانی است درباره لزوم پایان جنگ که آرزوی دولت ایران و عراق است با رعایت عدالت و انصاف روشن سازد ، که همچنان این تلاشها ادامه دارد . از جمله این جامعه چکیده اظهار نظرات رسیده را در گزارشی در چهار ماده که ماده اول آن تحت عنوان " شرط اساسی پایان بخشیدن به جنگ مفرفی متجاوزان و سازمان ملل متحد است " تنظیم و برای دبیرکل سازمان ملل و کلیه اعضای شورای امنیت ، مقامات جمهوری اسلامی ، اکثر سران کشورهای و رسانه های گروهی مهم دنیا ، از جمله کلیه سران کشورهای مسلمان و ۵۲ روزنامه و مجله مهم در این کشورها ، ۱۵۰ سندیکا و جامعه ملی و بین المللی معلمان و استادان در سراسر دنیا و بسیاری از خبرگزاریها و سازمانها و شخصیتهای سیاسی فرستاده است . انعکاس این گزارش در رسانه های گروهی و صد ها نامه در یافتنی از سازمانها و محافل و شخصیتهای خارجی ، جامعه معلمان ایران را مطمئن ساخته است که اینگونه تلاشها در روشن ساختن افکار عمومی نسبت به حقوق ملت ایران و لزوم پایان جنگ تا شیری بسزا داشته است . از جمله سازمان ملل متحد در نامه مورخ ۷۸ ژانویه ۱۹۸۸ خویش به جامعه معلمان ایران مینویسد :

" از اینکه نظراتتان را درباره وضعیت موجود بین ایران و عراق اعلام داشته اید سپاسگزاریم . اطمینان داشته باشید که گزارش شما بررسی خواهد شد و نمایندگان شورای امنیت فرصت خواهند داشت تا از محتوای گزارش شما آگاه شوند "

۲ - این اقتراح باب مکاتبات و تشریح مساعی عده زیادی از هموطنان داخل کشور





## جامعه معلمان ایران

- ۲ -

خاصه جوانان و دانشجویان دانشگاهها را بروی ما گشوده است و این خودگامی اساسی است برای بنیان گذاری یک همکاری اجتماعی بمنظور پیشبرد اهداف و آرمانهای ملت ایران .

۳ - نظرات واحد و مشترک شرکت کنندگان در این اقتراح ، آنهم با دیدها و سلیقه های متفاوت سیاسی ، خود دلیل بر آنست که هر جا که پای منافع ملت ایران در میان آید همه با هم در حفظ آن هممدا و همفکریم . اما مادامیکه این صداها و فکرها با هم در نیامیـسزود و نیروی واحد و مشترکی بوجود نیآورد هیچ قدم مثبتی نمیتوان برداشت . آیا با اینهمه ناکامی های زائیده از تفرقه و جدائی ها هنوز هم باین نتیجه نرسیده ایم که رمز پیروزی موء منین بحکومت مردم بر مردم اتحاد و تشریک مساعی مشترک آنهاست ؟ و آیا هنوز هم زمان آن نرسیده است که با تشکیل اردوگاه واحدی خود را برای نبرد با عوامل شوم عقب ماندگی بمنظور نیل به استقلال واقعی از طریق حکومت مردم بر مردم آماده سازیم ؟ اولین روزیکه این اتحاد پایه گذاری شود اولین روز پیروزی ملت ایران نیز آغاز میگردد .

تمام محرومیتها و ناکامی های ما زائیده فرار از انجام وظائف اجتماعی و گریز از فعالیتهای اجتماعی تشکیلاتی و اتخاذ سیاست " بیطرفی " نسبت بهرنوشت کشور و ملت خویش است زیرا مادامیکه ملتی انجام وظائف اجتماعی را حداقل برابر وظائف شخصی و خانوادگسی جدی نگیرد آن ملت هیچگاه بهر وسایمان نمیرسد .

### معرفی برندگان جوائز

جامعه معلمان ایران از همه پاسخ دهندگان به اقتراح ، از مدها نفر هموطنان داخل و خارج کشور که با نامه های انتقادی و تشویقی خویش ما را راهنمایی کرده اند ، از همفکران و هموطنانی که عملاً با کمکهای ارزنده خود در برگزاری این اقتراح کوشش فراوان نموده اند ، از صاحب نظران و استادان دانشگاهها که با حوصله و صرف وقت بسیار به ارزشیابی پاسخهای رسیده مبادرت ورزیده اند و از گروهی از هموطنان خویش که با کمکهای مالی خود جوائز و کلیه هزینه های این اقتراح را تأمین نموده اند سپاسگزار است .

جامعه معلمان ایران از شخصیتها و صاحب نظران سیاسی از داخل و خارج کشور از جمله استادان محترم آقایان دکتر مهدی آذرو محمد علی جمالزاده و همچنین گروهی از ارتشیان از جمله تیمسار سپهد عزیزاله پالیزبان که فقط برای اظهار نظر در یک مسئله حیاتی ملت ایران ، به سوال ما پاسخ داده اند سپاسگزار است .

### برندگان جوائز :

۱ - دانشجویان مقیم داخل و خارج کشور :

نفرات اول آقای مافی ( مستعار ) از دانشگاه تهران و آقای گوشه ( مستعار ) از



دانشگاه تهران ( بعلت امتیازات مساوی جایزه اول بمبلغ سه هزار دلار بین  
این دو برنده بطور مساوی تقسیم خواهد شد ) .

نفرات دوم آقای مادقی (مستعار) از دانشگاه اصفهان و آقای پیروز (مستعار)  
از دانشگاه مشهد ( بعلت امتیازات مساوی جایزه دوم بمبلغ دو هزار دلار بین  
این دو برنده بطور مساوی تقسیم خواهد شد ) .

نفرات سوم خانم زهره یوسفی دانشجوی دوره دکترای دانشگاه مریلند ( مقیم  
آمریکا ، مریلند ) و آقای پرویز بحرینی دانشجوی دوره دکترای رشته حقوق  
سیاسی از دانشگاه مریلند ( آقای بحرینی تز دکترای خویش را درباره جنگ ایران  
و عراق نوشته اند ) ( بعلت امتیازات مساوی جایزه سوم بمبلغ هزار دلار بین  
این دو برنده بطور مساوی تقسیم خواهد شد ) .

## ۲ - ایرانیان مقیم داخل و خارج کشور :

نفر اول آقای دکتر مولوی (مستعار) وکیل دادگستری از تهران برنده ۲۰۰۰ دلار  
نفرات دوم خانم نهفت صالحیان (فرنودی مهر) مقیم کالیفرنیا (سان دیاگو )  
استاد سابق دانشگاه تهران و آقای بیژن خالقی فارغ التحصیل دانشکده فنی  
از دانشگاه تهران در رشته مهندسی راه و ساختمان، دارای درجه دکترای در همین  
رشته مقیم آمریکا ( کلرادو ) ( بعلت امتیازات مساوی جایزه دوم بمبلغ  
هزار دلار بین این دو برنده بطور مساوی تقسیم خواهد شد ) .

برندگان سوم - آقای محمدرضا سلطانی تربتی ساکن تهران خیابان خواجه  
نظام الملک پلاک ۲۳، شغل تکنیسین تاسیسات حرارتی، تحصیلات فوق دیپلم  
آلمان غربی و آقای دکتر محمدعلی نوروزی ( دکتر طب ) مقیم آلمان ( مونیخ )  
( بعلت امتیازات مساوی جایزه سوم بمبلغ ۷۵۰ دلار بطور مساوی بین این دو  
برنده تقسیم خواهد شد ) .

توضیح: ۱ - بعلت عدم آزادی قلم و سایر مشکلات و محدودیتهای برای برندگان داخل کشور  
امتیازات اضافی قائل گردیده است .

۲ - بنا به پیشنهاد برندگان داخل کشور ( باستثنای آقای محمدرضا سلطانی  
تربتی ) از ذکر نام حقیقی آنها خودداری شده است و نامهای مستعار را  
نیز خودشان انتخاب کرده اند .

هر انسان آگاه و آزاداندیش و مبارزی که در ارتقاء سطح فرهنگ و دانش  
و پیشرفت سیاسی و اجتماعی هموطنان خویش در کلاسهای درس و یا در جامعه  
تلاش کند او یک معلم است .



کارتون کارگران انقلابی ایران

کارگران همه کشورها متحد شوید!

# انقلاب

دوره دوم سال نهم ★ ارکان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ شماره ۴۸  
اسفندماه ۱۳۶۶

اعلام مواضع  
«منشعبین از حزب توده»  
و اطلاع دسترسان سازمان در اسرار  
در صفحه ۱۶

ترجمیم چند شعار  
در صفحه ۱۶

اعلامیه کمیته مرکزی  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
تهران  
۸ مارس  
(۱۷ اسفند)  
روز جهانی زن  
در صفحه ۲

اعلامیه دفتر سیاسی کمیته مرکزی  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
جنگ عوشکی و بمباران شهرهای  
ایران و عراق را محکوم می کنیم!  
در صفحه ۲

جنگ شهرها  
و بن بست فاجعه بار جنگ هشت ساله  
جنگ شهرها یکبار دیگر حمیت غیرقابل  
و مناطق سکونی هر دو کشور را به آتش می کشد.  
و این بار خونین تر، مخمب تر، و وحشیانه تر  
اردمعات پیش، موشکباران و بمباران مناطق  
سکونی دو کشور را طرف هر دو رژیم متخاصم  
جروعه های نظامی اعلام می گردد. و این بحسی  
برپا شدی جسم در بر حمیت ترس شهرها و مناطق  
سکونی دو کشور، بحسی به اسطرا ریشتمند  
نیا به روزی میلیونها انسان درمعاتی شکجه بار  
تا همریت مرگ که را اسباب کند! بحسی با سرگ  
رحتی میلیونها انسانی که در جنگ ترکمنی  
ندارد و آن می گویند! و با بحس ترسب جنگ  
شهرها طلب ارباب می و مداساسی جنگ هشت ساله  
ایران و عراق را هرج بر و کویا بر اهر چه  
دیگرسیان می کند و لروم سا زره علیه ایستایی  
سنگ اهر بحسی را که هشت سال است مردم و شروت و  
انکامات مادی دو کشور هسا به راه ما بسود  
می کشند. همچون یک و طبعه عاجل و نحطی با پذیر  
در برابر بر بوده های رحتی دو کشور قرار می دهند.  
بقیه در صفحه ۲

جنگ بن بست استراتژی ها

اخباری از زندانها  
در صفحه ۴

تظاهرات مردم بندرانزلی  
درا اعتراض به حنا بت تازه پاداران  
در صفحه ۲۷

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان  
در صفحه ۱۲  
«سمتگیری سوسال بستی»

۸ مارس امسال در شرایطی مرامی رسد که  
رسان هم در ایران و هم در کشورهای پیشرفته  
سرما به داری، در موقعیت حاسی قرار گرفته اند.  
بررسی وضعیت رسان را در کشورهای پیشرفته  
سرما به داری به معالیه ای جداگانه و اکسدا ر  
می کنیم و در اینجا به شرایط کمونی جنسیتش  
دمکراتیک رسان کشورمان می پردازیم.  
در ایران، تمسب بحران و شدت نارمعاتی  
نوده ها، رژیم معیا راه نکا پووا داشته است.  
رژیم که هیچ چشم انداز روشنی برای ملت  
بحران ندارد منقول ندارد و پایل مها رحتی  
نوده ای در بحس ترس گره گاهای آن است و چه  
کسی است که سدا ندکه متاروسی عدالتیستای  
اعمال نه درمق رسان، در بنا به ای حکومت  
مدون، بحس ترسان کشور ما را، به یکی از کسه  
گاههای عمده سا زره علیه رژیم سبدیل کرده است!  
سا ترا س مها رحتی رسان و علو کس  
ار سر آمد آن سره یکی اربنا به های اعلی  
بقیه در صفحه ۸

مهر:  
درباره مناسبات  
حزب کارگران با هنرمندان  
(قسمت اول)  
در صفحه ۲۳

پاسخ به نامه ها



جاودان باد یاد رفیق  
لطیفه نویسی  
خیزش توره ای در فلسطین  
ارماد ما میرا سو اسرائیل  
حسرت بوده ان فلسطینی ها در جزیرین هسای  
اسعالی روسروبت بحسرتی که آنرا هسا سسی  
آن اربنا می حکمهای اعراب و اسرائیل  
در کده بحراست سسرا حنا هسا سسوده ای  
فلسطینی ها، ما سده سسا رن معا سسوده ای  
مطلب بوده سسای دارموا سسای سسای فلسطینی ها  
را در هر شومه و مداسان اربنا سسای سسای  
در سسرا سسرا سسرا سسرا سسرا سسرا سسرا سسرا



## علیه سیاست جاسوس پروری UNHCR کراچی بیاخیزیم

پناهندگان و آوارگان

مدت است که سیاست جاسوس پروری دفتر UNHCR کراچی را طی اطلاعیه ها و مقالاتی در پیام شورا افشا کرده و سیاست اطلاع شما و سایر هموطنان در اروپا و آمریکا رسانده ایم. این دفتر نه تنها از اجرای قوانین UNHCR در زمینه تامین امنیت پذیرش (و حقوق ناشی از آن) و مهاجرت طفره میبرد، نه تنها پلیس را به سرکوب اعتراضات عادلانه آوارگان فرامیخواند بلکه علیه پناهندگان و آوارگان، جاسوس پروری نیز میکند و این یکی از عملکردهای ضد انسانی و یکی از جوانب سیاست ضد پناهندگی است. UNHCR برای پیشبرد این سیاست ضد انسانی، ضد پناهندگی و جاسوس پرورانه، قربانیان را از بین خود ما انتخاب میکند، بدین ترتیب که از یکسوی عادل از اصول و قوانین دفتر UNHCR در مورد پذیرش، حدود ۸۵٪ گریختگان از ایران را به پناهندگی نپذیرفته و رد میکند و سیاست ایجاد تنگنا، باعث پیدایش اختلالات جسمی و روانی، تحمیل، اعتصاب غذا، خودسوزی و خودکشی در بین آوارگان میشود و علاوه بر آن، زمینه سقوط اخلاقی و انسانی معدودی از افراد ضعیف را ایجاد میکند، و از سوی دیگر راه جاسوسی را به سراغ دسترس به کارت پناهندگی باز میگذارد تا کسانی که نتوانسته اند سیاسی بودن خود را با کوله باری از مدارک ثابت کرده و گریختن خود را از ایران با شتر و موتور و پیاده به اثبات رسانند، دچار ماندگی و ناامیدی شده و برخی از آنان که ضعیف ترین شکننده ترین شخصیت و نیز خود خواهی و خود شیفتگی دارند، به خدمت سیاست جاسوس پرورانه UNHCR در آیند.

آری UNHCR کراچی بنام انسان، علیه انسان و بنام پناهندگان، علیه آنان عمل میکند، اگر کمیساری عالی مستقر در ژنوا از عملکردهای کارمندان خویش در دفتر کراچی بی اطلاع است، اوج برخورد غیرمسئولانه خود را به نمایش گذاشته و چنانچه اطلاع دارد و خود طراح کلیت برنامه ای است که توسط این دفتر اجرا میشود، پس در خیانت اینان علیه ما سهم است براستی پرسیدنی است که علیرغم مساحبه های مطبوعاتی و افشاکری های شوراد و ستان شوراد اروپا و آمریکا، و علیرغم ارسال تعداد زیادی اطلاعیه و نامه سرگشاده و تلگراف و تلکس از جانب ما به آدرس کمیساری عالی، میتوان پذیرفت وی از اوضاع اینجا بیخبر باشد؟ چگونه میتوان بی اطلاعی کمیساری عالی را از سیاست چندین ساله جاسوس پروری کارمندان دفتر کراچی باور نمود؟ و اینک نمونه "زنده" یک آواره "فریب خورده"، که قربانی سیاست ضد انسانی با اصطلاح حامیان پناهندگی شده، فاکت تازه ای است که تدوین سیاست ضد پناهندگی و جاسوس پروری این مدعیان انسانی و ستی را آشکارا به نمایش میگذارد.

این فرد که با تلاش و پیگیری عدای آوارگان و پناهندگان و نیز برخورد مسئولانه و دقیق شورا، شناسایی و کشف شد، ضمن اعترافات تکان دهنده "خود، از یکسوروند مسخ گرایشات نیمه جان انسانی در شخصیت های ضعیف، و از سوی دیگر چگونگی جاسوس پروری توسط UNHCR کراچی را بخوبی نشان داد." جاسوسی این فرد برای دفتر UNHCR موجب قطع کارت تعداد از پناهندگان - که بعضا برای مهاجرت قبول شده بودند - و آوارگی آنها گردیده است.

بیانی سیاست ضد پناهندگی و جاسوس پروری UNHCR شده اند، اخطار میکنیم دست از خیانت خود بردارند و غیر این صورت مطمئن باشند از جنگ عدالت نخواهند گریخت و دیر یا زود، اینجا یا هر جای دیگری، توسط آوارگان و پناهندگان هدف و رسوا خواهند شد. در حال حاضر شواهدی درباره برخی افراد فریب خورد و جاسوس شده در اختیار ما قرار دارد که گیرانه مورد تحقیق است و در صورت تأیید، اعلام خواهد شد.

### هموطنان! انسان دوستان جهان!

دفتر UNHCR کراچی در عدول از اصول و قوانین مدون خود، در اعمال سیاست ضد پناهندگی خود، تا آنجا پیش رفته که جاسوس پروری نیز میکند. سیاستهای UNHCR کراچی نابودی جسم و شخصیت انسانی ما را هدف گرفته است. در نتیجه همین سیاستها، اکنون قریب به دو ماه است که عدول از آوارگان و نیز کسانی که بدلیل سوراخ شدن و یا قطع کارتن آواره شده اند، پس از مدتی اعتصاب غذا، همچنان در تحصن بسر میبرند، علاوه بر آن، سیاست جاسوس پروری این دفتر موجب شده تا عدول پناهندگی بر شخصیت ضعیف خود و در شرایط سخت زندگی آوارگی، راه خیانت به هموطنان خود را پیشه کنند و برای گرفتن کارت پناهندگی، در سهان و مرد و کودک را به آوارگی کشانند.

آری! مدعیان انسان دوستی در دفتر UNHCR کراچی به منخ انسانیت نشسته اند! اعترافات آواره فریب خورد به خوبی چنین سیاستی را نشان میدهند:

میخواهم پرد و از روی جنایت U.N بردارم. پرد و از روی سواستفاده های خیلی دقیق و مزورانه... که یکی مثل من را طبق آن چیزی که میخواهند، توجه میکنند و تنوی در استان خود شریک میفرستند... اقرار میکنم که برای U.N جاسوسی کردم.

(متن مفصل اعترافات این فرد را جداگانه در اختیار پناهندگان و آوارگان و افکار انقلابی و مترقی جهان قرار خواهیم داد.)

ماضی محکوم کردن عدول از اصول و سیاست ضد پناهندگی و جاسوس پروری UNHCR از کلیه مراجع ذیصلاح جهانی میخواهیم به هر طریقی که میتواند برای اعزام هیئتی به کراچی، جهت رسیدگی به مسائل پناهندگان و آوارگان ایرانی، اقدامات لازم را بعمل آورند.

ناپود باد سیاست جاسوس پروری UNHCR کراچی!

عدول از اصول UNHCR محکوم است!

تا اعزام هیئت، اعتراض ادامه دارد!

شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان - کراچی

۸۸/۳/۲۲

۶۷/۱/۲

בית השידור הישראלי

המדור הפרסי

ת.ד. 716 ירושלים



صدای اسرائیل

بخش فارسی

ص. پ. ۷۱۶ اورشلیم

شونده ارجمند

همراه با آغاز وقت تابستانی در اسرائیل تغییراتی نیز در طول موجها داده

شده است.

به آگاهی می‌رسانیم که از تاریخ یکشنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه ( اول ماه مه )

بعدت چهار ماه برنامه های ما را روی امواج کوتاه بشرح زیر خواهید شنید :

ایران و کشورهای آسیائی

۱۹/۲۵ متر برابر ۱۵/۵۸۵ کیلوهرتز  
۲۳/۳۰ " " ۹/۰۱۰ " " " "

اروپا و آمریکا

۱۷/۰۲ متر برابر ۱۷/۶۳۰ کیلوهرتز  
۱۹/۳۷ " " ۱۵/۴۸۵ " " " "

این طول موجها تا روز دوشنبه ۱۴ شهریور ماه برابر با پنجم سپتامبر یعنی تا پایان وقت تابستانی در اسرائیل اعتبار خواهد داشت .

طی این مدت برنامه ما هر روز ساعت ۶ بعد از ظهر بوقت تهران ( بعدت ۵۵ دقیقه پخش میشود .

از د ۱ شهریور ماه ساعت پخش برنامه ما بوقت تهران به ۷ بعد از ظهر باز خواهد گشت .

لطفاً طول موجهای جدید و تغییر ساعات پخش را به آگاهی بستگان و آشنایان خود نیز برسانید .

با تقدیم احترام

رئیس بخش فارسی صدای اسرائیل

پژوهش احتمالی

هدف از بررسی حاضر، ارزیابی گرایش‌های زندگی ایرانیان و نحوه‌ی تمایلات آنان در خارج از کشور می‌باشد و چنانکه ملاحظه می‌شود، درج نام و نشان دقیق افراد مورد نیاز نمی‌باشد. امید است که پاسخ‌های شما یاری دهنده این پژوهش گردد.  
قبلاً از همکاری شما سپاسگزارم

دکتر حسین لاجوردی  
محقق و استاد (سابق) دانشگاه در ایران

- آیا برای بازگشت به ایران در انتظار تغییراتی هستید؟

بله  خیر

در صورت جواب مثبت چه تغییراتی؟

- تغییرات سیاسی:
- ۱ - پایان جنگ
  - ۲ - امنیت بیشتر
  - ۳ - تامین آزادی ورود و خروج از کشور
  - ۴ - تغییرات دیگر.....

- تغییرات اجتماعی:
- ۱ - تامین امنیت اجتماعی
  - ۲ - تامین آموزش و پرورش
  - ۳ - خاتمه تحمیلات فرزندان
  - ۴ - آزادی انتخاب پوشش
  - ۵ - رفع تبعیض مذهبی
  - ۶ - تغییرات دیگر.....

- تغییرات اقتصادی:
- ۱ - امنیت سرمایه گذاری
  - ۲ - امنیت نقلی
  - ۳ - پایان کمبود و جیره بندی
  - ۴ - تامین معاش
  - ۵ - آزادی تجارت خارجی
  - ۶ - تغییرات دیگر

- آیا تغییرات مورد نظر را محتمل میدانید؟

بله  - خیر

در صورت جواب مثبت، چه مدت زمانی را بیش بینی میکنید؟

۱-۲ سال  ۲-۳ سال  ۳-۴ سال  ۴-۵ سال  ۵ سال و بیشتر

با توجه به شرایط موجود، تا چه مدت دیگری قادر به ادامه اقامت در خارج از ایران هستید؟

۱-۲ سال  ۲-۳ سال  ۳-۴ سال  ۴-۵ سال  ۵ سال و بیشتر

جنس: زن  مرد

.....

وضعیت تاهل: مجرد  متاهل  طلاق گرفته

در صورت تاهل: همراه با همسر  بدون همسر

آیا همسر شما در ایران است  یا در کشوری دیگر

همسر شما این پرسشنامه را تکمیل میکند؟

بله  خیر

زمان تحمیلات: .....

در حال حاضر شاغل هستید؟

بله  خیر

در صورت شاغل بودن آیا از شغل خود راضی هستید؟

بله  خیر

قبلاً سابقه اقامت در خارج از کشور را داشته‌اید؟

بله  خیر

بزرگ‌ترین کسب و کاری در خارج از کشور راضی هستید؟

راضی  راضی  ناراضی  خیلی ناراضی

در فکر بازگشت به ایران هستید؟

بله  خیر

در صورت جواب مثبت:

- ۱ - بدلیل مشکلات اقتصادی
- ۲ - دوری از خانواده
- ۳ - دوری از وطن
- ۴ - عدم تطبیق اجتماعی - فرهنگی
- ۵ - تغییرات ایجاد شده در ایران
- ۶ - دلایل دیگر.....

نامه سرگشاده تعدادی از پیشمرگه‌های مجاهد خلق به  
آقای منوچهر هزارخانی

"تورگینفد استان د روغنگوی کهنه کاری را نوشته است که  
نصیحت میکند: "وقتی کاربیدی میکیدی، د رمحکوم کردن  
کارهای بد بلند ترازد یگران د اد و فریاد راه بیند ازبسد.  
وقتی به ثروت چشم د ارید، د رمحکوم کردن شیاد ی و حقه  
بازی بیشتر ازد یگران گلوپاره کسید!"  
(ص ۷۴۶ رد اد گاه تاریخ نوشته مد ود ف)

تعدادی از پیشمرگه‌های مجاهد خلق

آلمان غربی

نیمه دوم فروردین

۱۳۶۷



آقای منوچهر هزارخانی، عضو شورای ملی مقاومت و مترجم کتاب "درد اد گاه تاریخ"

نزد یک‌هفتاد و سال قبل، شما گزارشی از "پشت جبهه مقاومت مسلحانه" تهیه کردید، که بصورت کتابی ۱۴۲ -  
صفحه‌ای (همراه نشریه شورا شماره ۲۰ و ۲۱ آخرداد ۶۵) انتشار یافت.

ظاهراً، گزارش مذکور مربوط میشد به "وضع کلی تشکیلات در عراق" و "روابط پیشمرگه‌های مجاهد در منطقه"  
اماد رواقع منظور شما و دیگر دست‌اندرکاران این گزارش، تکذیب وجود زندانیهای مسئول شورا (رجوی) در عراق  
بود. تا آن‌روزندانی و شکجه کردن مجاهدین (که بخاطر مخالفت با انحراف بر استاید نولوژیکی، سیاسی -  
استراتژیکی رهبری سابق سازمان مجاهدین، تحت پوشش "جبهه استاید نولوژیکی" و "ارتقا کبفی عقیدتی و تشکیلاتی"  
صورت گرفته بود)، راد روغ و افترا خوانده، بتوانید ضمن هتاک به افشاکنندگان، بالوث کردن موضوع، از همان را  
نسبت به وجود زندانیهای رجوی مشوب نمائید.

اکنون ما عده‌ای از پیشمرگه‌های مجاهد خلق، که هر یک مدتها در زندانیهای رجوی (یعنی همان زندانیهای  
که شما منکرش شده‌اید)، بوده و مورد رفتارهای غیرانسانی قرار گرفته‌ایم، میخواهیم بوسیله این نامه سرگشاده، شما  
را مورد خطاب و سوال قرار دهیم، تا اگر احیاناً عدم اطلاع شما موجب تکذیب زندانیها، و در نتیجه فحاشیه‌ها  
بونه، در رصد جبران برآید، و الا مشخص است که شما نیز آگاهانه شریک جرم زندانیان و شکجه گران مایوده هستید.  
ضمناً، ما برخلاف شما، با استدلال و بیان حقایق و ارائه اسناد و مدارک و شهود زندانیها، تمام موارد مطروحه را -  
همانطور که تاکنون اثبات نمودهایم، باز هم خواهیم کرد.

اما، در زمانی که شما برای تهیه گزارش مذکور به عراق آمدید، بودید  
ما (عده‌ای از پیشمرگه‌های مجاهد خلق)، بعلمت عدم قبول مواضع جدید رهبری سابق سازمان، از جانب  
آنها تکفیر شده بودیم، لذا عده‌ای در زندانیهای رجوی، یا اردوگاههای عراق، ترکیه و منطقه آزاد شده (بین مرز  
ایران و عراق)، و یانزد گروههای ایرانی در منطقه بصره میبردیم. چه خوب بود، وقتی شما "جسارت" بخرج داد و بیه  
منطقه کردستان عراق آمدید، مدعی اطلاع از کم و کیف حقایق، به محلیکه عده‌ای از خواهان و برادران زندانی  
ما حضور داشتند، سری میزدید و تلاشی جهت دیدن آنها بعمل می‌آوردید، سپس در مقام نفی زندانیهای رجوی  
و هتاک به افشاکنندگان، بر می‌آمدید، آنوقت احتمالاً "شفافیت" گزارشتان از منطقه رنگ و جلای دیگری مییافت.  
اما افسوس!

گویا "دوستان" با اینکه هنوز جانی نرسیده، "پلهت" های کوچکی هستند، صلاح ندیدند!!، که شما  
بعنوان "روشنفکر و مبارز" اجازه پیشروی بیشتری را از "پشت جبهه" به خطوط و صفوف مقدم، داشته باشید، چون  
امکان داشت، با دیدن ارمان "شفافیت" کار جناب عالی، با حقایق تسوام کردید.

در راستای همین مطلب، اکنون فرصتی پیش آمده است تا ما (هواداران مجاهدین) جواب "شفاف کاری" تان  
را بدیم، هر چند، بقول پیرومی "مدتی این مثنوی تأخیر شد"، اما بهر حال، دینی است که باید ادا شود. و  
شما را با حقایق تلخ و غیرقابل باور، که از جانب مسئول شما، بر مجاهدین گذشته، بیشتر مطلع گردانیم، شاید  
بجبران گذشته برخاسته، باین فکریافتید، نظیر "مد و د ف" نویسندگانی که "درد اد گاه تاریخ"، کتابی در رابطه

با اعمال و رفتار غیر انسانی و اخلاقی واید ثولوژیکی مسئول شورا! ، که با مجامع دین نمود ، بنویسید ، چون فعلاً خوشبینانه ، موضعگیریهای قبای شمارا ، بر عدم اطلاعستان از کم و کیف قضایا ، احاله مینمائیم . چرا که ، در اثر انتشار گزارشات ، اسناد و مدارک مستند و موثق ، چه در رابطه با زندانی و شکنجه شدن مجاهدین ( که نباید دستور مسئول شورا! ) صورت گرفت ، و چه با اتخاذ سیاستهای راست ، باعث شد ، تا این جریان انحرافی ، هر چه سریعتر مورد افراد ، انزجار و طرد هواداران و توده های مردم قرار گیرد . شمانیز ، یکسال بعد از نوشتن گزارش از پشت جبهه مقاومت ، به این افراد و انزجار و طرد ، از عیان و در مصاحبه با مسئول شورا! ، آنرا " طلسم سیاسی " نامید . ناکفته نباید گذارد ، در این مصاحبه ، شما خواسته اید ، خود را کار کشید ، مبر از این جریانات و انمود کنید و آنرا بگردن یک گروه یا یک نفر از اعضا تشکیل دهند . " شورای ملی مقاومت " ! ! بیاندازید ، و دیگر گروهها و اعضا شورا! را رایی تقصیر و " آلت فعل " نشان دهید . توجه کنید ، از مسئول شورا! سوال میکنید " . . . وضع موجود چه نشان میدهد ؟ نشان میدهد که علاوه بر طلسم اختناق و سرکوبی ، که در واقع مردم را فلج کرده است یک طلسم سیاسی هم وجود دارد ، و آن طلسم سیاسی عبارت از تبلیغات شبانه روزی مداوم ، و مکرر و همه جانبه ای است که علیه مجاهدین میشود . . . حالات تکرار انواع اتهامها و برچسبها که لزومی ندارد ، ولی این تبلیغات منفی مرتب تکرار میشود و تلقین مرتب و مداوم یک مطلب البته بر ذهن اثر میگذارد ، لا اقل خنثی میکند ، لا اقل فلج میکند ، لا اقل شخص را بفکر مبادازد ، که نکند آن چیزی که میخواهد جانشین دستگاه کنونی بشود ، با تمام حرفهای خوبی که میزنی ، بدتر از آن باشد که حالا گیرش افتاده است ، همچنان که دستگاهی که حالا گیرش افتاده ایم صد برابر بدتر از آن چیزی است که قبلا گیرش بودیم " ( نشریه شورا ص ۲۳ و ۲۴ شماره ۲۳ - خرداد ۱۶ ) .

و یاد ریختی که " پیرامون شورا و مقاومت . . . " یاد یگرا اعضا شورا! داشته ، برای تبرئه خود از تأیید کامل " مفاد برنامه ی دولت موقت " ، چنین گفته اید : " . . . بعد از آمدن آقای رجوی بود ، موقعیکه وارد شد مبه پاریس ( مجبورم یک خاطر بگویم که تا زگی داشته باشد ) آقای رجوی را دیدم ، ایشان تحریر برنامه ی دولت موقت جمهوری د مکراتیک اسلامی را تار تمام کرده بود . موقعیکه اولین بار رفتم به دیدنش ( اوائل ) ، برنامه ی دولت موقت را داد دست من گفت بخوان و همین الان اظهار نظر کن ، چون میخواهم بد هیمنجا پشتر کند ، پرسیدم عجله برای چیست ؟ گفت برای اینکه خود این برنامه هم شتابزدت تهیه شده است . . . حالا تو هم بخوان و اظهار نظر کن . منهنشستم و خواندم ( لابد برای اینکه ثابت کنم که همه اش را خواندم ) ، گفتم رفلان جابنظر من اگر اینطو ر بنویسید بهترست و خلاصه یکسری اصلاح عبارتی . وقت بحث بر سر محتوا نبود . اما بعد خواهرش کردم که ، ممکن است یک نسخه از آن را بمن بدهد تا سرفرصت دقیق تر بخوانم . . . ( نشریه اتحادیه انجمنها شماره ۱۱۶ ص ۱۱ مورخ ۲۲ آبان ۱۶ ) .

توضیح واضحات آنکه ، در این روزگار غریب ، که رژیم دمنش خمینی ، سرنیزه را برگرد ، خلق قهرمان ایران فرانگه داشته است ، شعله های جنگد رکنا سرکوب آزاد ییهای ابتدائی و اولیه ، زیانه میکشد و از طرفی دیگر ، فرزندان دلاور و رشید خلق در سیاهچاله های مقاومت مشغولند ، جواب سرگشاده ، به نوشتار و گزارشات از وضع منطقه ( که متأسفانه هر از چند گاهی بعنوان " روشنفکر و مبارز " از طرف رجوی " قیم مقاومت و مجاهدین " میشود ) ، نمیتواند

خارج از چارچوب اعتقادی - سیاسی مادراین مرحله از مبارزه و مقاومت بر علیه رژیم و انحراف بر است عدّه‌ئی از یاران سابقان باشد. بهمین دلیل، وقتی عدّه‌ئی یا گروهی، با انحرافات خویش، لگد مال کردن خون هزاران شهید سرفراز مجاهد خلق را دستمایه و پیشه فرصت طلبی خود میکنند، با ضرر زدن به جنبش و مقاومت، متحد بسالفعل خمینی "میگردند، و درینای هر چه بیشتر رژیم متزلزل و پوسیده‌اش، نقش موشی ایفا میکنند. لذا افشاکری جهت تعمیق انقلاب و پیشگیری و جلوگیری از "خمینی سازی" دیگری از طرف ما و همچنین از جانب نیروهای پشیمان از اهمیت ویژه‌ئی برخوردار است. و این اصلی است که هر روشنفکر و مبارزی باید بدان بهای لازم را بدهد، چون در مقابل خلق و آیندگان مسئول میباشد.

نیازی به تاکید نیست که جوابیه حاضر، کنویسندگان آن خود زندانی، زندانیهای مسئول شورابوداند "سند" قاطع دیگری است برای کسانی که سعی میکنند بهر بهانه و توجیهی بر عا کرد های رجوی، چشم پوشید و یا به توجیه و تئوریزه کردن اعمال او به پردازند، باید بگوئیم حرکت ماد ر مسیرود رجبت تد اوم انقلاب و رسیدن به اهداف والای آن (یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی)، با "شفافیت" کامل میباشد نه چیزی دیگر، خودتان خوب نوشته اید: "تکذیب روزمره... خنثی کند توطئه نیست" شفافیت "چاره ساز است" (ص ۴۴).

آقای هزارخانی!

تاریخ معاصر ما "روشنفکر و مبارزون نویسندگان فراوانی بخود دیده است، که همواره در پیشاپیش صفوف نهضت‌های ملی و رهائی بخش، در مسیر آزادی و رهائی خلق دریندمان، بپا خاستند، ایستادند، مقاومت ورزیدند، با قلم و قدم - خویش استوار به پیش تاختند و با پیام و خون سرخ خویش، در قلب و جان تاریخ جای گرفتند. همچنین کم نیستند نویسندگان و روشنفکران مبارزیکه، با تمام امتیازاتی که به آنان پیشنهاد میشود، با حفظ استقلال خود از منافع خلق دفاع کرده، با تحمل انواع و اقسام فشارها و سختیها، اعم از مادی و معنوی، درین خود را با خلق داد میکنند.

وجدان بیدار تاریخ، روشندان و آگاهان، آنانکه سودای قدرت طلبی و عطش مقام و نانند اشتند و برای - محرومین و بی‌صاف کشیده‌ها برای دخترکان قالیباف برای آنانکه دستشان پینه بسته است، مایع گذاشتند و هستی خویش را وقف مرد محروم کردند، از طرف آنانکه قلبی برای گواهی و گواشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن ندارند، همواره ره‌ر عصر و نسلی، طلایه‌داری و مشعل‌داری این دست‌راد رزیرانوار برافروخته از تنش گلوی بغض گرفته‌شان بعینه مشاهده و بیه حقانیت آنان رأی دادند، لهذا، هیچگاه گفتم نبود. ویی نام و نشان نیستند، تا بسو و مرجعی هستند، برای دیگران، بهمین دلیل در فرهنگ ارتجاعی شاه و خمینی از دیرباز کلمه "روشنفکر" را "بودار" شناخته و روشنفکران را مورد تکفیر و بهتان قرار داده و میدهند. به تاسی از فرهنگ ارتجاعی، رجوی مسئول شورا! نیز از کلمه روشنفکر بعنوان "مارک" چند رد و تشکیلات و چند ربرخورد های بیرونی، با مخالفین اصولی و منطقی خود، که تفکرات منحنی و ارتجاعی و خمینی گونه ایشان را قبول ندارند، استفاد میکند.

بعنوان کسیکه خود را روشنفکر و مبارزمیداند، مطالب غیر واقعی در "گزارشی از پشت جبهه مقاومت سلححانه" گنجانید هاید، که در اینجامختصراً به توضیح آن مینشینیم، بویژه اینکه خودتان نوشته اید: "اگر کسی خلاف این ادعای خود را دارد، خویشت موارد عینی این حق‌کشی را به صراحت عنوان کند"، ما پیشمرگه‌های مجاهد خلق، گوشه‌ای

از "موارد حقوقی را به صراحت عنوان" میکنم، همانطور که در اولین اعلامیه خود مورخ ۱۵/۴/۵ (ویاد یگر - اعلامیه‌هایی که توسط اعضا و هواداران سازمان مجاهدین، پیوسته گزارش نسبتاً مفصل مورخ فروردین ۱۶ به مراجع بین‌المللی برای استمداد (جهت رهایی مجاهدین از زندانهای مسئول شورایی، و زندانها وارد و گاههای عراق و کمپ یوزگاتند ترکیه، نوشته و پخش گردیده)، مطرح نمود. ایم، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

ما با ارائه نمونه‌های عینی، مستدل و اسناد غیر قابل انکار، تا آنجا که از نظر امنیتی و اطلاعاتی مقدور بود، برای عموم و نیز خودتان، روشن و مشخص کردیم و میکنیم، تا آشکار شود چرا "دامن‌اش به روزنامه‌های با اصطلاح معتبری مثل لوموند هم کشید شده است".

"زندان":

اگر مسئله کهنه شده‌ای است، که کسی بیاید "ثابت کند"، که رژیم جنایتکار خمینی زندان، شکجه، حلق آویز میکند و جنگ طلب است، اما آید اشتن زندان، از طرف رجوی مسئول شورایی، برای تهدید، ارباب و تنبیه نیروهای مخالف خط تحمیلیشان، موضوع "جدید" ونوی نیست؟

آن، از خمینی، دشمن اصلی، که همچنان بر سر کار بود، و به رهبری جنگناعداد لانه و جنایت‌آمیز میدهد، ماهیتر محرز و مشخص است. و این هم از "تنها آلترناتیو مکرراتیک"؛ انحراف در صف اپوزیسیون، که از نظر ماهوی "متحد بالفعل خمینی"، در برخورد با آرمان و اهداف ضد استعماری، ضد امپریالیستی و ترقیخواهی مردم، میباشد.

حالاً این که رژیم خمینی، از افشا و عنوان نمودن این مسئله که "رجوی زندان دارد" سوءاستفاده میکند، دیگر تقصیر پیشمرگه‌های مجاهد خلق نیست، که تن به مواضع انحرافی راست و وابستگی به امپریالیستهای امریکائی، مسئول شورایی نمیدهند و پذیرای زندانهای او نمیشوند. مجاهد موحد که انسان تحت نظام نیست، مجاهد آگاهانه و مختار با آزادی تمام مسیرش تا بند تکامل را با پشت سر گذاردن موانع بیشمار طی میکند و در مسیر گشودن قید و بند های باز دارند ضد تکاملی است که راه خود را میگذارد. آنچه در عرصه مناسبات سیاسی مهم است، سنجیدن افراد و شخصیتها به حق و اصول است نه بعکس.

برای ما پایبندی به اهداف بنیانگذاران کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران مهم است، زندان، شکجه و اعدا ام چه توسط رژیم ارتجاعی خمینی و یا جریان انحرافی مسئول شورایی، فرق نمیکند، جهت افشاشدن (چون در مسیر حل تضاد قرار میگیرد)، باید افشاشود تا حق پدید آید.

این گداه زندانیان آزاد شده از زندانهای رجوی، در عراق نیست که صادقانه حقایق را در معرض دید و افکار عمومی قرار داده و به خلق هشدار میدهند و روشهای خمینی گونه و وابستگی به "سیا" مرکز جاسوسی امپریالیستهای امریکائی او را افشا میکند.

بنظر میرسد شما وعده‌شده‌ی دیگر، با احساسات رقیبی که دارید، بیشتر از ما پیشمرگه‌ها احساس مسئولیت میکنید. بنابراین توصیه میکنیم، به "دوستان" و مسئولین خود "سفارش" کنید، بگذارند آزادانه، هر کس را که بطلاید ثلوثیکی سیاسی - استراتژیکی، میخواهد سر خود بگیرد و برود "از روابط تشکیلاتی عراق خارج شود و به همکاری خود با

جریان جدید (ارتش آزاد بیخشمی) ، خاتمه دهد ، بازند ان " رهبری نوین " خود را تزریق نمایند ، تا ختم  
از افشای این مطالب ، سوء استفاده ننماید و به فضا و جوتو همدم امن ننزند . می بینید که مقصر ، مسئول شما (شورا) است  
که باز بریا گذاردن آگاهانه اصول و ضوابط انقلابی اید ثلوثیکی ، سیاسی - استراتژیکی و تشکیلاتی سازمان ، و -  
زندانی و شکنجه کردن مجاهدین ، که همجنان بان ضوابط پایبند میباشند و از آن دفاع میکنند ، آب به آسیاب رژیم  
میریزد و کار را به بهره برداری رژیم ارتجاعی از مسئله میکشاند . اگر راست میگویند ، لطفاً فکر کرده ! ، عناصر مسئله در ایران  
یا آثانی که قصد خروج از روابط سازمان ایشان را دارند آزاد بگذارند تا حد اقل به هر کجا که خواستند و مایل بودند  
بروند ، و از آنها با ضرب و ستم ، اخذ تعهد و توبه نامه ، یا نوشته ای مبنی بر انقلابی بودن مسئول شورا . . . نگیرند .  
بر همین مبنا ، طبیعتاً " کافی " نمیدهند که دیگران " کاف گیری " کنند . در این صورت ، البته زندان ایشان نیز  
موضوعیت نخواهد داشت ، بالطبع مانیزد این زمینه خاص ، چیزی برای عرض حال نخواهیم گفت . از طرفی زحمت  
" شفافیت " پیرامون " زندان معروف " رجوی از امثال شما نیز سلب خواهد شد .

شما از قول " فلان آدم کلا شرف هفت خط " میگوئید . . . . زندانیان هم کسانی هستند که میخواهند از سازمان  
خارج شوند و سازمان بزور آنها را نکند داشته است ! ، و ما میگوئیم به ، جریان که توسط مسئول شورا با در عراق  
بوجود آمده و کنترل میشود ، در زندانهایشان ، آنها در کشور یگانه (میبینید که همه چیز " نوین " شده است) ، از  
کلیه اعضا و عواد اران مجاهدی که میخواهند از روابطشان کاره گیری کنند و دیگر قصد همکاری با این جریان انحرافی  
و وابسته به امپریالیسم آمریکا را ندارند ، درخواست " تعهد نامه ای " مبنی بر عدم افشای پیرامون روابط موجود ،  
فحاشی کتبی بر عایه گروهها و شخصتهای ایرانی و غیره . . . . را میکنند . افراد مخالف را در کرکوک و یاد دیگر شهر  
های عراق که پایگاه دارند ، زندانی کرده تا " ایمان آورند " ، آنگاه پس از فحاشی و انواع فشارهای روحی و جسمی  
نظیر ساواک شاه معدوم و رژیم جنایتکار ارتجاعی خمینی ، از آنان طلب " توبه نامه " مینمایند ، تا پس از اتمام اجازه -  
خروج داشته باشند .

طبق آخرین گزارشات ، باید با اطلاعتان برسانیم ، بعد از افشای گریهائی که در رابطه با شکنجه کردن مجاهدین  
صورت گرفته است ، راستهای منحنی ، مجاهدین معترض را تحویل اردو و گاههای عراقی حله ، عربیت و رمادیه -  
دادند . ولی در اثر تدابیر افشای گریهها ، راستها مجبور شد . اند ، تا تعدادی از مجاهدین معترض را به هتل مصطفی  
هتل جماهیر و هتل صنوبر در کرکوک . . . منتقل نمایند و تعدادی را نیز به ترکیه یا پاکستان انتقال دهند ، ضمناً در نفر  
از مجاهدین مستقر در پایگاه شبید اشرف ربیعی ، بنامهای حسین و عبد الله تعدادی روحی خود را از دست دادند  
مجاهد خلق ، در فرهنگ انقلابی خود ، این اعمال را خمینی گونه مینامد و قابل افشاشدن (کما اینکه ، وقتی در سال ۶۲  
دهها نفر از منطقه ، در شرفیابی ! یا پاریس و ملاقات با مسئول شورا ! ، پایش را بوسیدند ، ما پس از مشاهده و بد نوی  
آن ، آنرا آریامهری و خمینی گونه و بر خلاف داده های اید ثلوثیکی سازمان تحویل نمودیم . )

شعاع رجائی دیگر از نوشتهتان ، اشاره میکنید که " این ادعا - وجود زندان - به حیثیت مجاهدین اطعمه  
میزند " ، کاملاً درست است ، ایجاد زندان ، بدستور مسئول شورا ، و زندانی کردن مجاهدین ، به حیثیت مجاهد  
ضرر و اطعمه زده است ، چون مسئول " شورا " ، با وجود اینکه دیگر اعتقادی به اید ثلوثی و اصول واهد اف سازمان

مجاهد بینند ارد، و از سه سال پیش رسماً، آنها را جبهه روح و جهاد روحی زبیرا گذارد و برای "جلب و جذب امیرالاستیضای امریکائی هیچ کوتاهی نکرد و نمیکند و از قشرهای گوناگون ایرانی گزارشاتی به "سیا" میدهد و جیره ماهانه از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار دلار دریافت میکند (روزنامه لوس آنجلس تایمز مورخ ۲۰ نوامبر ۸۷)، و با وجود اینکه اسم آورد یگری برای خود انتخاب کرده ("ارتش آزاد بیخشمی و پرچم سه رنگ")، ولی فرصت طلبانه همچنان اسم و آرم سازمان مجاهد بن را بدست میبرد.

شما از مسئولان، که رابطه گرم و صمیمانه ای با ایشان دارید، بپرسید؟ پس از "جهش و ارتقا" نولوژیکی، در ابتدا ای سال ۶۴، آقایان ذاکری (مسئول شورای رکردستان) و جواد ربوبی، از اعضای دفتر سیاسی، از ۱/۱ تا ۱۰/۲/۶۴ ریاست منسوری، که آنرا تبدیل به دهها سلول انفرادی کردند، به چه کاری مشغول بودند؟ از دستان بپرسید، جریان زندگی نمودن مجاهدین پس از "انقلاب و جهش" نولوژیکی، اوضاعیه معروف به "رفع ابهام" به چه مناسبت بود؟

جناب عالی که در سال ۶۴ در منطقه نبودید، پس چطور و بر چه پایه ای، از ماهواداران سازمان که از نزدیک بعنوان پیشمرگ، شاهد قضا بودند میوزندانی... شدیم، بهتر "شفافیت" کاری میفرمائید؟

وقتی تعدادی از گروههای ایرانی، اعم از سازمان جریکهای فدائی خلق، - جریکهای فدائی خلق، سازمان راه کار و جنبش انقلابی زحمتکشان ایران... (بویژه در رابطه با شهادت مجاهد خلق اکبر حسینیخانی) برامون زندگیهای رجوی وزندانیان مجاهد آن مطالبی نوشتند، و تا حدی افشاکاری کردند و از نزدیک بانظرات - مجاهدین جدا شد، از جریان اندر اقیانوس شورا در عراق مطلع شدند، چرا که آنها مراجعه نکردید و از آنان در مورد زندگی و شکجه کردن مجاهدین، سوال نمودید. چرا بجای اینکه به منطقه آزاد شده بیایید، در شهرهای کرکوک و سلیمانیه، زیر جتر امنیتی مسئولان گردشی کردید، سپس در پاریس بر علیه افشاکندگان زندگی آنها فتوی صادر نمودید که "قضا زندگی دروغ بود و چنین چیزی صحت نداشت"، بنا بر ضرب المثل معروف، میگویند از روبا به پرسیدند شاهدت کیه؟ گفتد مم! آیا بردن شما به منطقه برای بازید، نظیر دعوت رژیم جنایتکار خمینی از خبرنگاران و مراجع بین المللی برای دیدن زندگی سیاسی در کار استخر شناد رزند آنها پیش نیست! و آنرا بیاد نمیآورد؟ از رهبری سابق سازمان مجاهدین، از محمد حیاتی و ذاکری، سوال کنید، به چه علت "قادر" (ق-ز)، که توانسته خود را به ترکیه برساند و اکنون در کمپ بوزگات میباید، اما ماههاد رسول انفرادی منسوری (از یائیز ۶۳ تا اردیبهشت ۶۴)، نگه داشتند و انواع و اقسام فشارهای جسمی و روحی را بر او وارد نمودند؟ جالب اینکه حیاتی، هنگام آزاد نمودن قادر، ساعت خود را بعنوان هدیه با او میداد، تا شاید دلش را بدست آورد!

مگر فحاشی ها و اعدای منسوری و سلولهای انفرادی پس از "انقلاب" نولوژیکی، از آنجا که زیاد پیشمرگهای مجاهد مقرر منسوری رفته است؟ اگر کسی نداند، هواداران و مسئولین طرد شده، که میداند چه کرد و به چه صورت "طعم رهبری نوین" را بچشمه چشاند، اندک موارد بسیاری برامون زندگی و زندگی انیان منطقه میدانیم، که امید است، بزودی در ریشگاه خلق، همه چیز عیان و آشکار گردد.

آقای هزارخانی!

به شما پیشنهاد میکنیم، تا با هم به کمپ های ترکیه، یازد و نگاههای حله، رمادیه و سوملی وزند آنها، مسئول شورا، ادعای عراق برویم و سری به مجاهدین و هواداران سازمان که حاضر به همکاری با او نشدند، بزنیم و بای- صحبت آنان بنشینیم، تا ببینید "دوستان" چه بر سر مجاهدین آورده اند. راستی چرا در حالی که ما خود حتی و جانر هستیم، از آقای ژان گراس مفسر روزنامه لوموند، برای بازید زنده انهای رجوی دعوت میشود؟ در حالی که میداند مقاله لوموند که در آن به زندانی کردن مجاهدین اشاره شده، توسط خانم انیل روآرد در تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۸۶ در لوموند چاپ شده است، و ایشان، از اطلاعیه هواداران مجاهدین در لندن نقل کرده اند: علاوه بر مورد بالا، پیشنهاد میکنیم همین اروپا، بدید از عناصر مجاهدی که از زندانهای مسئول شورا و یازد و نگاههای عراق و کمپ یوزگات در ترکیه، که توسط سازمانهای بین المللی به اروپا منتقل شده و یا خود بطرفی آمده اند، برویم، تا ما جرارا (که قسمت کمی از آن در روزنامه لوموند و نامه به مراجع بین المللی مورخ فروردین ۱۶ و ۰۰۰ منعکس است)، از زبان خودشان بطور مستقیم و مشخص بشنویم، و یا از صلیب سرخ و نماینده سازمان ملل قسمت- بیاهندگی، که بعد از اثبات صحت مطالب و مدارک رسالی (در رابطه با زندانی کردن مجاهدین توسط مسئول شورا)، با انتقال آنان مبادرت نمودند، سوال کنید، تا اگر احتمالاً هنوز شک و تردیدی برایتان باقی ماند، بطور کامل برطرف شود، همچنین علاوه بر موارد بالا، برای محکم کاری، میتوانید از گروه های مبارزی که در منطقه هستند نظیر حزب دمکرات، سازمان جریک های فدائی خلق، چریک های فدائی خلق و سازمان راه کارگر ۰۰۰ که با احسان مشواتیت تعدادی از مجاهدین، جدا شده از جریان انحرافی مسئول شورا، نزد آنان مهمان هستند و یا کمک کرده تا خود را به خارج از منطقه برسانند، سوال کنید.

ضمناً اگر آنچه نوشته شده، تهمتوافق راست و معتقدید صحت ندارد، چرا بر علیه کسانی که آنها را منتشر کرده و اسم و آدرس خود را بطور صریح در زیر آن نوشته اند، اعلام جرم نمی کنید؟ تا آنها را مقابل دادگاه رسوای خاص و عام نمائید. ما اعلام میکنیم تکذیب زندانهای مسئول شورا و زندانی و شکجه کردن مجاهدین، از یاری و با هر نقطه ای از جهان، چه از طرف شما و یا هر کس دیگر و یا از جانب "دوستان" شما باشد، گامی فراتر به "خمینی سازی" و اذیت و آزار فرزند ان خلق میباشد. اذامحکوم بود مقابل خلق پاسخگو بود و میباشند.

هرچند پیرامون مسئله زندان، جهت "شفافیت" دادن بانحراف رهبری سابق سازمان، به "زمین وزمان" نامزاکفته، و بخواهند بحران تشکیلاتی جریان جدید بسرکردگی مسئول شورا را، زیر چتر حزب بعث عراق و- نمکاری و جاسوسی "قشرهای گوناگون" برای "سیا" مرکز جاسوسی امپریالیستهای امریکائی و دریافت "چیره ماهانه" ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار دلار از دولت امریکا تحت پوشش "دیپلماسی انقلابی" ایا، توجیه کرده و بیپوشانند، باید بگوئیم نتیجه ای جز آبروشی هر چه بیشتر و یرت افتادن از راه خلق و استیصال منحرفین، در بر نخواهد داشت.

شما نوشته اید، "مهدی" میگوید، "در سروردی سازمان مجاهدین بسته بود رخروجیش چارطاق باز است" (س ۲۰)، اگر منظور سازمان مجاهدین خلق ایران است، بله، از اصول و ضوابط انقلابی و اولیه تشکیلات ماست و باید هم باشد، ولی اگر منظور جریان جدید "ارتش آزاد بیختر ملی" ایا است، خیر، قضیه "ورود و خروج" بعکس است در رب ورودی "ارتش آزاد بیختر" ایا به روی همه افراد (اعم از ساواکی، غنوسیا، رستاخیزی، سرمایه داران،

مرتجعین، توده‌ای، اکثریتی، سالیانت طلبان و قاجاقچی‌ها ۱۰۰۰ "چارطاق" بازاست، برعکس "خروج" آزادانه‌ویی در سرازروابط، کار "حضرت فیل" است به قسمتی از صاحب مسئول ارتش آزاد بیخش و شور با جابر زاده، پیرامون ضوابط عضویت در ارتش آزاد بیخش ملی، "اگر حتی ناقض ضوابط نیم‌بند" شورای ملی مقاومت" و اعلامه‌ها و اطلاعاتی‌های شداد و غلاظ قبای شور ابرعایه "متحدان دیروز" میباشد، توجه کنید "۰۰۰ این ارتش آزاد بیخش ملی مال همه مردم ایران، با هر عقیده‌ای، کد داشته باشند است" شرطش این است که هر کس هد او طلب است خودش را تشخیص و انتخاب خودش بطور آگاهانه و او طلبانه، انضباط انقلابی این ارتش را بپذیرد "تا آنجا که به ارتش آزاد بیخش بر میگردد، اصلاً فرق وجود ندارد، همه هر عقیده و فکر و مرامی کد داشته باشند، مثل هم هستند "بین رزمندگان ارتش آزاد بیخش هیچ تفاوتی نیست، از هر کجا که آمد باشند و هر طور فکر کنند "همه چه مجاهد وجه غیر مجاهد، از هر نظر مساوی هستند " (شریه اتحادیه انجمنها ص ۵ شماره ۱۰۸ مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۱۶)، همانطور که ملاحظه میکنید، هیچ مانعی برای ورود افراد با "هر عقیده و فکر و مرامی کد داشته باشند" وجود ندارد، ولی اگر کسی بخواهد از همین روابط با خصوصیات ذکر شده خارج شود، انواع و اقسام تهمتها و افتراءات است که، برای شکستن شخصیت و یا ماکوک کردن گروه و سازمان مربوطه بکار میرسد، نمونه‌های بسیاری را میتوان در رابطه با متحدان "دیروز" تان، نظیر خروج حزب دمکرات کردستان ایران، شورای متحد جب، آقای بنی صدر، آقای بهمن نیرومند، آقای حسن ماسالی "راذ کر نمود".

این یک حرکت قانونمند است، که از سوی مسئول شوراد ریش گرفته شده، چرا که وقتی مجاهدین با اعتقاد بجامعه بی طبقه توحیدی و مبارزه بی امان با امپریالیستها و مرتجعین، بنیاد ستور مسئول شورای ملی مقاومت" را، زندانی و شکنجه میشوند، باید هم درهای "شورا و ارتش آزاد بیخش ملی" "چارطاق" برای قبول "همه با هر عقیده و فکر و مرامی" باز شود، چون نمیشود هم با مرکز جاسوسی امپریالیستهای امریکائی "سیا" و ساواکی سلطنت طلب "۰۰۰ همکاری کرد و جیره ماهانه گرفت، و هم با مجاهدین که ضد امپریالیست، ضد سلطنت و ضد استعمار " هستند، در یک جبهه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و استعمار جنگید.

مشاهد میکنید، همانطور که نوشته‌اید، و صحیح هم نوشته‌اید "کار شور ا خراب، خراب است" (ص ۲۷) چون بعد از شکستها و بن بستها، کنتیجه سیاستهای غلط "شورائیون" بویژه مسئول آن است، نه تنها نتوانستید بعد از چندین سال "طلسم اختناق" را بشکنید، بلکه بنا بر گفته خودتان "طلسم سیاسی" را نیز از آن افزودید. چرا که با زیر پا گذاشتن اصول و ضوابط انقلابی و حتی ضوابط نیم‌بند شوراد در پیش گرفتن سیاست وابستگی بسوسه امپریالیستهای امریکائی و بصورت عوامل ضد ام حسین در آمدن (نظیر مجلس اعلای اسلامی، که از عوامل رژیم جنایتکار خمینی است) "باعث گردید تا مورد انفراد و انزجار اعضا و هواداران سازمان وتوده‌های مردم قرار گیرید، از طرفی سیاست "جلب و جذب" امپریالیستها با خط "دیپلماسی انقلابی" نیز "افاق" نکرد و جز سرشکستگی و بی آبرویی بیشتر حاصلی برای گردانندگان "شورا" و "ارتش آزاد بیخش" را بیارنیاورد.

همانطور که شیوه امپریالیستهاست و تجارب مکرر نیز آنرا بارها نشان داده، امپریالیستها آنجا که منافعیشان ایجاب نماید عوامل خود را بر احتی وجهه‌الصالحه قرار میدهند. ملاحظه میکنید، که چگونه "سوسیالیستها"



راستها" ، و امپریالیستهای امریکائی بعد از نزدیکی به رژیم "وحشی" و "تروریست" خمینی ، رهبران انقلاب نوین را با آن وضع خفت بار و توهین آمیز به بغداد "تبعید" نمودند و اوجیبونان و ریاکارانه ، آنرا خروج "د او طلبانه" اعلام نمود . یا وزارت امور خارجه امریکا صریحاً و بکرات از ارتباطات با مسئولین "شورا" ، برای کسب اطلاعات پدیده سر داشت ، روند نزدیکی فرانسه و امریکا با رژیم ارتجاعی خمینی ، با اخراج عده ای از هواداران "شورا و ارتش آزاد" - بیخشمی "!! از فرانسه به گاین همراه بود ، اجازه بازگشت به عده ای از آنها ، با این تعهد متوجه شورا ! مبنی بر عدم فعالیتشان بر علیه رژیم جنایتکار خمینی انجام گرفت ، که در صورت نقض آن ، به نزد "رهبرشان" به "بغداد تبعید" شوند . از طرف دیگر امریکائیها مسئله دیگری را افشا کردند و اعلام نمود که ماهانه "۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار دلار برای تباینات و خرید اسلحه" به "شورا و ارتش آزاد بیخشمی" ! کمک مالی میکند .

حالا برای اطلاع بیشتر شما ، باید بگوئیم ، طبق آخرین گزارشات ، دولت عراق نیز ، تا یکروز بعد از شروع مجدد جنگ شهرها ، به مسئول شورا دستورات میدهد بود تا عملیات نظامی بر علیه رژیم جنایتکار خمینی را متوقف نمایند ، برگرداند متعرض (برگه اجازه رفت و آمد افراد در عراق) ، آنها را محدود کرده ، مانع از بیخشمی برنامه های تلویزیونی با اصطلاح "سیما" مقاومت" در عراق میگردد . بلی سرنوشت محتوم کسانی که وابستگی به امپریالیسم و خد متبیه بیگانگان را ، جانشین پایبندی به اصول و معیارهای انقلابی و حمایت و پشتیبانی توده های مردم می میکنند ، آیا غیر از طرد از جبهه خلق ، انفراد ، انزجار و تبدیل شدن به مردم های سیاسی ، چه انتظاری از اعضا ، هواداران و توده های مردم می میتوانند داشته باشند ؟ باش تا صبح دولت بدید ، کین همه از نتایج "دیپلماسی انقلابی" ! است .

"فاعتبروا یا اولی الابصار" پس بند گیرید ای صاحبان خرد ها

(سوره الحشر آیه ۲)

در خاتمه ، به تمام خواهران و برادرانی که بر غم همه فشارها و سرکوب راستهای منحط ، تقوای توحیدی - انقلابی خود را حفظ نمودند ، درود میفرستیم .  
 و یاد زنان و مردانی که ، چه در میدان نبرد ضد ارتجاعی ؛ در رشکجه گاهها و در برابر جوخه های اعدا ام ، وجهه مبارزه مبارزات شرافتمندانه سیاسی ، علیه راستهای منحط هرگز از مواضع یکتا پرستی یک مجاهد واقعی عدول نکردند . . . و آنان که با نثار هستی خود ، در راه خدا و خلق ، عظمت و شکوه بزرگ اسلام و آئین حنیف را عیان ساختند و نشان دادند که هیچ ضربه ای نمیتواند عنصر مجاهد موحد را ، از اوج قله انقلاب و ترقی خواهی بزرگشاید . و برد امش غبار عقبگرد و ارتجاع بنشانند ، گرام می داریم ، سلام علیکم بما صبرتم و نعم عقبی الدار سلام بر شما ، به خاطر آنچه شکیبائی و مقاومت ورزیدید و چه نیکفرجامید .

تعدادی از پیشمرگه های مجاهد خلق

آلمان غربی

نیمه دوم فروردین

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



